



اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ شهرستان کرج

دبیرستان حضرت مریم (س)

موضوع پژوهش:

عدالت و امنیت فراگیر حضرت مهدی (عج) در گستره جهان

مسابقه

پرسش مهر ۶

استاد راهنما:

مینو دارایی - رحیمه رضایی

پژوهشگران:

مریم یگانه - تینا سرابی

مقطع: متوسطه

بهار ۱۳۸۵

تقدیر و سپاس

امیدواریم تلاش ما و کمک های بی دریغ دبیر محترم پرورشی سرکار خانم مینو دارایی و مدیر محترم دبیرستان سرکار خانم رحیمه رضایی و تمامی دوستان که ما را در گردآوری این مقاله یاری نموده اند زحماتشان مورد قبول حضرت حجت صلوات ا... و سلام ا... علیه و عجل ا... تعالی فرجه الشریف واقع شده و مشمول دعای خیر حضرتش قرار گیرد و نهایت تشکر و سپاسگزاری را از این عزیزان داریم.

تقدیم نامه

ما بنده های حقیر با استعانت از حضرت باریتعالی عزّ امسه و به یاد حقیقت
معبود، امام موعود عجل ... تعالی فرجه. این مقاله پژوهشی را به منتظران
حضرتش تقدیم می دارم و امیدواریم این دقت و تعلق، مقدمه ایمان گسترده تر و
عمل خالص تر گردد و خدای تعالی با تعجیل در فرج حضرتش بر عموم منتظران
منت نهاد. امید است این مقاله مقبول امام زمان (ع) و مورد استفاده عاشقان و
منتظران واقعی آن منتظر قرار گیرد.

«فهرست مطالب»

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ب | تقدیم |
| ج | تشکر و سپاس |
| ۲ | پیشگفتار |
| ۵ | چکیده مطالب |
| | فصل اول |
| ۹ | مقدمه |
| ۱۱ | تاریخچه مختصر زندگی امام مهدی (عج) |
| ۱۲ | پیامبر خدا و خاندانش و ظهور حضرت ولی عصر |
| ۱۴ | معرفت امام زمان |
| ۱۵ | فلسفه وجود امام غیبت |
| ۱۶ | علایم قبل از ظهور |
| ۲۱ | امید و انتظار |
| ۲۴ | مفهوم انتظار |
| ۲۵ | امام مهدی (ع) در زمان حکومتش چگونه داوری می کند |
| | فصل دوم |
| ۲۸ | حکومت الهی |

| | |
|----|--|
| ۳۰ | برپایی عدالت در زمان آخر الزمان (ع) |
| ۳۲ | مساوات و برابری |
| ۳۴ | امنیت جهان در سایه تمدن حضرت مهدی (ع) |
| ۳۹ | عدالت اجتماعی در عصر طلایی مهدی (عج) |
| ۴۲ | آبادانی در عصر طلایی مهدی (عج) |
| ۴۵ | تمدن آینده جهان در لوای حکومت مهدی (ع) |
| ۵۶ | عدالت اجتماعی و همگانی مردم با حضرتش |
| | فصل سوم |
| ۶۰ | امنیت فراگیر در مهدی (عج) |
| ۶۲ | امنیت اجتماعی |
| ۶۴ | امنیت فردی |
| ۶۷ | امنیت جهانی |
| ۶۸ | سیرت فردی در مهدی (عج) |
| ۶۹ | سیرت فرهنگی در مهدی (عج) |
| ۷۱ | سیرت اقتصادی در مهدی (عج) |
| ۷۳ | سیرت اجتماعی در مهدی (عج) |
| ۷۵ | سیرت مدیریتی در مهدی (عج) |
| | فصل چهارم |

| | |
|-----|---------------------------|
| ۷۷ | عدالت آرمان ها |
| ۷۷ | امامت و حاکمیت عدالت |
| ۷۸ | دموکراسی در چالش با امامت |
| ۷۹ | راه عدالت |
| ۸۰ | ظهور عدالت |
| ۸۲ | آخرین دولت |
| ۹۷ | نقش سازنده انتظار |
| ۱۰۲ | نتیجه گیری کلی |
| ۱۰۴ | محدودیت ها |
| ۱۰۵ | پیشنهادها |
| ۱۰۶ | نیایش |
| ۱۰۹ | نامه ای به خورشید عالم |
| ۱۱۲ | منابع و مأخذ |

پیشگفتار

منجی بزرگ عالم بشریت که اکنون خورشید وجودش در پشت ابر غیبت نهان است، قطعاً روزی به فرمان خداوند خواهد آمد و جهان را بدست توانمند خویش پر از عدل و داد خواهد کرد و حکومت جهانی خویش را بر محور عدل تشکیل داده و صحنه گیتی را از لوٹ وجود ستمگران پاک خواهد کرد.

او موعود همه ادیان آسمانی و محبوب همه انبیاء و اولیا بوده و هست که ظهور موفورالسرورش را بشارت داده و چشم انتظار قدومش می باشند و به قول فریدالدین عطار نیشابوری:

صد هزاران اولیاء رو بر زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

مهدی (عج) یگانه شخصیتی است که وقایع نگاران معصوم در طول ۲۵۰ سال قبل از میلاد مسعودش زندگی او را با خصوصیات زمانی و مکانی بطور روشن و قاطع بصورت اخبار ثبت و ضبط نموده اند و دانشمندان و محققان در طول بیش

از ۱۴ قرن با بررسی این آثار که از مصادر عصمت صادر گردیده است کتابها و مقالات فراوانی نوشته و تحقیقات شایسته ای انجام داده اند، و هر کدام به گونه ای ارادت خود را به قطب عالم ابراز نموده اند.

هدایت و رهبری مردم از گمراهی به راه سعادت، همیشه در تاریخ انسان ها بوده و با وجود آمدن انسانها، خداوند پیامبرانی را برای هدایت آنها گسیل داشت، تا این راه ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمدند که اولین آنها حضرت آدم و آخرین آنها پیامبر اسلام حضرت محمد - صلوات ... علیهم و اجمعین بود.

اینها تمام توان و تلاش و کوشش خود را برای هدایت و رهبری مردم صرف کردند، ولی هیچ یک در زمان حیات خود به نتیجه نهایی و مطلوب و حکومت دلخواه نرسیدند، و نوعاً قلمرو و رهبری آنها در نقطه محدودی بود و موفق به تشکیل حکومت جهانی نشدند.

امید همه این بود که این راه ادامه یابد و در همه مردم جهان این زمینه به وجود آید و حکومت جهانی قائم (ع) برقرار گردید، تا همه پیامبران و مستضعفان به آرزو و امید خود که یک حکومت درخشان پر از صفا و صمیمیت است، نایل گردند و این امید همچنان ادامه دارد، و پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) هیچ یک با آن همه تلاش به حکومت دلخواه اسلامی نرسیدند و همواره و کراراً فرمودند:

«دنیا یک روز هم بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا حکومت قائم برقرار شود» امام قائم امید همه در طول تاریخ و همه جهان است، البته باید توجه کرد که انسان ها به چنین امید بزرگی نخواهند رسید مگر با کوشش و تلاش و جهاد و آگاهی و مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر چنان که خود امامان (ع) بارها این مطلب را تذکر داده اند و در لابه لای این مقاله نیز به آن اشاره خواهیم کرد.

گروه پژوهش - بهمن ماه ۱۳۸۴

چکیده مطالب

هر کجا نگاه میکنی مسجدی به نام حضرت جمعیتی به نام حضرت ، ظهور و درخشش نام حضرت را همه جا می بینیم و حالت ظهور صغری را می بینیم
ان شاء الله مقدمه ظهور کبری است.

دنیا امروز از ظلم بشری به ستوه آمده و قوانین بشری ناکارایی خود را نشان می دهد و مراکز جهانی به جای این که قسط و عدالت بیاورند بازی دست ظالمان و غاصبان دنیا می شوند .

بشر از ظلم و ستم خسته می شود و تشنه فریاد رسی از سوی خدا می شود و در آن زمان خدا این بزرگوار را ظاهر می کند و تشنگان عدل و عدالت مانند تشنگان در بیابان که آب دیده اند.

از هر سو به سوی حضرت می روند. بعضی از منافقان و بعضی از ناآگاهان می گویند اگر قرار است بعد از پر شدن ظلم و جور در عالم عدل و داد پر شود پس چرا ما امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟ چرا جلوی ظلم ظالمان را بگیریم و چرا حکومت اسلامی را تشکیل دهیم؟

نمی گوییم کمک به ظلم کنید و جلوی ظلم را نگیرید تا دنیا پر از ظلم و فساد شود و آن گاه ظهورش انجام شود ...

خداوند در قران مجید فرموده است من وعده می دهم به مومنانی که عمل صالح دارند این ها را در پرتو سایه آن حضرت حکومت جهانی می دهد.

«اعتقاد به مهدی» تنها نشانگر یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست . بلکه افزودن به آن ، عنوانی است برای خواسته ها و ارزوهای همه انسان ها با کیش ها و مذاهب گوناگون و هم چنین بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف هاشان در عقیده و مذهب دریافته اند که برای انسانیت در روی زمین «روز موعود» خواهد بود که با فرا رسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت های آسمانی تحقق می یابد و مسیر آن که در طول تاریخ پر از فراز و نشیب و پرتگاه بوده و به دنبال رنجی بسیار هموار و استواری لازم را می یابد.

انتظار آینده ای این چنین تنها در درون کسانی که با پذیرش ادیان، «جهان غیب» را پذیرفته اند راه نیافته بلکه به دیگران نیز سرایت کرده است. تا آنجا که می توان انعکاس چنین باوری را در مکتب هائی که جهت گیری اعتقادی شان با سر سختی وجود «غیبت و موجودات غیبی» را نفی می کند دید.

دین نیز در عین حالی که به این احساس روحی همگانی استواری می بخشد با تاکید این عقیده که زمین همانطور که از ظلم و بیداد پر شود از عدالت و دادگری آکنده خواهد گشت»

به این احساس ارزش عینی بخشیده جهت فکری باورمندان به این اعتقاد را به سوی «ایمانی به آینده راه» متوجه می سازد

از آنجا که اعتقاد به مهدی پیشینه ای دراز تر و دامنه ای گسترده تر از اسلام دارد طبیعی است که مرزهای اسلامی آن تمامی آرزوها و چشمداشت هائی را که از سپیده دم تاریخ به این اعتقاد پیوسته در خویش جای داده و از آنچنان بار فرهنگی پر توانی برخوردارش ساخته باشد و در برافروختن احساسات همه ستمکش ها و شکنجه دیده های تاریخ و رهبری آنها به سوی عدل و داد قدرت بیشتری داشته باشد زیر اسلام موضوع این اعتقاد را از محدوده «ذهن» به دنیای واقعیات آورده و آن را از آینده به حال انتقال داده است . تا به جای باور داشتن و چشم دوختن به نجات دهنده ای که در آینده ناشناخته و دور پدید می آید به رهایی بخشی ایمان داشته باشند که اکنون هست و همانند دیگر منتظران چشم به راه رسیدن روز موعود و شرایطی است که به او امکان می دهد تا به هدف بزرگ خود جامعه عمل بپوشد.

تنها درمان دردهای بشریت رو آوردن به اسلامی است که در آن «امام زمان» به روشنی مطرح می باشد و همه دعوت ها و کوشش ها و خروش ها در جهت احیا تعالیم کتاب خدا عترت پیامبر قرار گیرد و امام زمان (ع) با ظهور و حضور

مستقیم در جامعه نور تابندگی را در جهان از همه ی جهت ها روشن می کند و
عدالت را در جهان گسترده خواهد کرد.

در این مقاله صحبت از شخصیتی والا است که از اولین و آخرین منحصر است و دارای ویژگی هائیکست که خداوند او را به آن امتیاز داده است. آن آقائی که علاوه بر جهات ولایت تکوینی و خلافت الهی دارای سلطنت حق و حکومت مطلق بر کره خاک خواهد شد و دولتی جهانگیر تشکیل می دهد که در آن جز صدق و راستی، صفا و صمیمیت، گذشت و فداکاری، دوستی و احسان وجود ندارد. شخصیتی والا گهر که همه آشوبها و فتنه ها، نیرنگها و خودخواهیها را محو می فرماید و بعنوان «مصلح جهانی» از اول آفرینش بشر، موعود آسماین بوده و همه پیغمبران، امت خود را بمقدم شریفش مژده می دادند. ستمدیده ها به این دلخوش بودند که بالاخره روزی منتقم حقیقتی می آید و داد ستمدیده ها را از ستمگران خواهد گرفت و با انقلاب جهانی خود، مستضعفین را بر مستکبرین چیره خواهد کرد. متدینین هم که از بی دینی ها، فسق و فجورها رنج می برند با یادآوری زمان ظهورش بخود تسلی می دهند و راستی چه مولود مسعودی است که یادش تسکین بخش آلام دردمند است. در شخصیتش همین بس که در همه کتابهای آسمانی به آمدنش مژده داده شده و خداوند دولتش را صالحین وارث زمین شمرده است و آن را مقدر حتمی خوانده است. سروری عظیم الشان که جدش خاتم الانبیاء (ص) و از آباء عظامش صدها روایت در نام و لقب و کینه و

شکل و اخلاقش و خصوصیات زندگی اش و غائب و ظاهرشدنش رسیده است و چه اهتمام زیادی که به آن سرور داده اند و چه عظمتی دارد که اینقدر درباره اش بحث فرموده اند، در این مقاله به پاره ای از زمینه های فکری، فرهنگی و ... اشاره می کنیم.^۱

۱- جلال، برنجیان، آینده جهان، تهران، مهارت، ۱۳۷، ص ۲۲.

تاریخچه مختصر زندگی امام مهدی (عج)

نام: امام محمد (ع)

القاب معروف: مهدی موعود، ولی عصر، صاحب الزمان، قائم، منتظر، حجت ا...

کنیه: ابوالقاسم، ابوعبدا... (ع).

نام پدر و مادر: امام حسن عسگری (ع)، نرجس خاتون (ع).

وقت و محل تولد: روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری قمری در سامرا متولد شد، و حدود پنج سال تحت کفالت پدر بزرگوارش مخفیانه زندگی کرد.

مدت غیبت صغری: بعد از شهادت امام حسن عسگری (ع) عهده دار امامت شد و از همین تاریخ (۲۶۰ هجری) به اذن خداوند غیبت صغری که تقریباً هفتاد سال یعنی تا سال ۳۲۹ هـ ق طول کشید آغاز شد، و در این مدت چهار نایب خاص بین خود و مردم داشت.

غیبت کبری: از سال ۳۲۹ هـ ق غیبت کبری شروع شد و باب نیابت خاصه بسته و باب نیابت عامه مفتوح گشت. این غیبت تا وقتی که مشیت الهی باشد ادامه دارد و هر وقت که خدا بخواهد ظهور کرده و جهان را از عدالت برخوردار کند^۲.

۲- علیرضا، رجالی تهرانی، امام زمان (عج). تهران: نیوغ ۱۳۷۷، ص ص ۴۶-۴۵.

پیامبر خدا و خاندانش و ظهور حضرت ولی عصر عجل... تعالی فرجه

سپاس ذات پاکی را سزااست که بخششهایش میان آفریدگار همیشه گسترده و فراوان است و دست جود و بخشش را به سوی آنان گشوده، در همه کارها او را می ستایم و برای انجام اوامرش از او یاری می طلبیم، و گواهی می دهیم که آفریدگاری جز او نیست، و محمد صلی... علیه و آله بنده و پیامبرش می باشد او را فرستاده تا امر و فرمانش را آشکار نموده و به یاد او گویا باشد، پس رسول خدا در بسط و ابلاغ رسالت و امر هدایت، به امانت و درستکاری کوشید، درفش اسلام را در میان ما برافراشت و پس از پایان کارش. روی در نقاب خاک کشید و دعوت حق را لبیک گفت. هر کس که از آن درفش پیش افتاد از دین بیرون، و هر کس مخالفت کرده پیروی ننمود هلاک گردید، و کسی که با آن همراه بود به حق پیوست نگهدارنده و پاسدار این درفش، به شکیبایی و آرامش سخن گوید و در اجرای امری خردمندانه قیام نماید و چون بپاخیزد بسی شتاب کند و قرار و آرام نگیرد تا به پیروزی نهایی برسد، پس آنگاه که شما گردنهای خود را زیر فرمانش نهادید، و به انگشت های خویش بر او اشاره نمودید، مرگ او را دریابد و بدان سبب از دنیا رحلت می نماید، و شما پس از وی مدتی که خواست خدا است درنگ

می نمایید تا هنگامی که خدا برای شما برانگیزد کسی را که پراکندگی شما را در امور دین و دنیا منظم فرماید.^۳

(امام عصر عجل... تعالی فرجه الشریف) پس به امام حاضر که به دنیا اقبال نکند طمع نداشته باشید و از امام زمان که غایب است ناامید نگردید، زیرا ممکن است یکی از دو پای او (سلطنت ظاهری) از جای در رفته بلغزد و پای دیگرش (سلطنت باطنی) برجای ماند. پس روزی ظاهر شده، و پای خود را ثابت و استوار کند، آگاه باشید مثل آل محمد صلی... علیه و آله مانند ستارگان آسمان است، که هر زمان یکی از آنها پنهان شد، دیگری پیدا می شود، پس گویا چنان است که از نعمت های خدای مهربان کاملاً برخوردار شده اید، و به آروزیی که می کردید رسیده اید.

(چون حضرت ولی عصر عجل... فرج الشریف ظاهر شود) هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی گرداند هنگامی که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند و رأی و اندیشه خویش را بر آنچه خداوند در قرآن فرموده است برتری می دهند: همانا ایشان را به راه راست رهنمون گردد و در برانداختن رأی این و آن اجرای احکام قرآن همت ورزد^۴

و عده وصل چون شود نزدیک آتش عشق تیزتر می گردد

۳- صالح، صبحی. متن کامل نهج البلاغه، همکاری تابان، تهران: شهریور ۱۳۷۸. خطبه ۱۰۰. ص ۱۰۱.

۴- صالح، صبحی. متن کامل نهج البلاغه، تهران: شهریور ۱۳۷۸. خطبه ۱۲۸. ص ۱۰۱.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

معرفت امام زمان صلوات ... علیه

معرفت به امام زمان صلوات ... علیه، وظیفه فرد فرد شیعیان و دوستداران آن بزرگوار است. اگر این معرفت نباشد، زندگی انسان زندگی در حیرت است و مرگ او، مرگ جاهلی.

در زمان غیبت، یاد حضرت بقیه ... ارواحنا فداه، انتظار او، ایمان به او، و یقین به ظهور حضرتش، بالاترین تکلیف الهی است که خدای تعالی برای شیعه معین ساخته است.

مقدمه همه این وظایف، معرفت به آن امام همان است که این نعمت و موهبت الهی، هر چه بیشتر نصیب انسان گردد، نورانیت او بیشتر می شود.

هدف از انگیزش خلقت که همانا سعادت جاودانگی بشر در پرتو عبادت حضرت حق می باشد که در این راستا، پروردگار، انبیاء را با جمله فرامینی به سوی بندگان فرو فرستاد، تا ایشان را بر این طریق رهنمون باشد و ایشان را از گمراهی نجات بخشد و از مشرکان تمامی ادیان الهی، وجود حجت ظاهری خداوند

در تمامی روزگار بشر است، که باعث صلاح و رستگاری بشر می گردد که رهبران ادیان آسمان از آن به «موعود منتظر» یاد کرده اند.^۵

به وجود حجت خداوند است که ملک و ملکوت پایدار می ماند و نظام تکوین الهی استوار می گردد.^۶

فلسفه وجود امام به هنگام غیبت

مفهوم غایب بودن امام (ع) هرگز این نیست که وجود امام (ع) در عصر غیبت یک وجود نامرئی و رویایی است که به یک وجود خیالی و پنداری شبیه تر از یک وجود عینی باشد. بلکه، او از نظر زندگی، یک زندگی طبیعی عینی خارجی دارد، منتها با عمری طولانی، در میان مردم و در دل جامعه ما رفت و آمد دارد، و در نقاط مختلف زندگی می کند، و اگر استثنایی در زندگی او هست همین است که او از یک زندگی و عمر طولانی برخوردار است.

اشعه معنوی نامرئی وجود امام (ع) به هنگام که در پشت ابرهای غیبت نهان است. دارای آثار گوناگون قابل ملاحظه ای است که علی رغم تعطیل مسأله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، فلسفه وجودی او را آشکار می سازد.

جمعیت شیعه طبق عقیده ای که بر وجود امام زنده دارند هر چند او را در میان خود نمی بینند، خود را تنها نمی دانند. او همواره انتظار بازگشت آن سفر کرده را

۵- محمد حسین، صفاه خواه، امام مهدی (عج) و منتظران او. تهران: کتابچی ۱۳۶۷. ص ۳-۶.
۶- ناصر، مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی عج، تهران: نسل جوان. ۱۳۸۰ ص ۲۲۴-۲۱۹.

که قافله های دل همراه اوست می کشد، انتظار سازنده و اثربخش، او هر روز احتمال ظهور او را می دهد.

هیچ گاه روی زمین، از قیام کننده با حجت و دلیل خالی نمی ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد یا مخفی و پنهان، تا دلائل و اسناد روشن الهی ضایع نگردد، و به فراموشی نگراید.

علایم قبل از ظهور

ابوعبدا... جعفر بن محمد علیهما السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی ... علیه و اله در بقیع بود که علی علیه السلام آمد و از رسول خدا صلی ... علیه و اله جویا شد گفتندش دره بقیع است (ع) نزد رسول خدا آمد و سلامش کرد. رسول خدایش فرمود: بنشین و او را در سمت راست خود نشانید، سپس جعفر بن ابیطالب آمد و از رسول خدا جویا شد به او گفته شد که در بقیع است نزد آنحضرت آمد و سلامش کرد رسول خدا او را در سمت چپ خود نشانید، سپس عباس آمد و از رسول خدا جویا شد به او گفته شد که در بقیع است به نزد آنحضرت آمد و سلامش کرد رسول خدا در پیش رویش او را نشانید.

سپس رسول خدا رو به علی کرد و فرمود مژده ات ندهم؟ خبرت ندهم؟ عرض کرد: چرا، یا رسول ... فرمود: جبرئیل اندکی پیش نزد من بود و مرا خبر داد آن

قائمی که در آخر زمان خروج می کند و زمین را پر از عدل می کند از نسل تو و از فرزندان حسین است.^۷

علی عرض کرد: یا رسول ا... هیچ خبری از خدا بما نرسیده است مگر آنکه بدست شما بوده است. سپس رسول خدا رو به جعفر بن ابیطالب کرد و فرمود: ای جعفر مژده ات ندهم، خبرت ندهم؟ عرض کرد: چرا یا رسول ا... . فرمود: اندکی پیش جبرئیل نزد من آیا میدانی او کیست؟ عرض کرد: نه فرمود: او همان است که صورتش همچون دینار (گُرد) و دندانهایش همچون اره و شمشیرش همچون شعله آتش است با خواری داخل سپاه می شود و با عزت از آن بیرون می آید جبرئیل و میکائیل او را در میان می گیرند.

سپس به عباس متوجه شد و فرمود: ای عمو آنچه را که جبرئیل بمن خبر داد تو را خبر ندهم.

عرض کرد: چرا یا رسول ا... حضرت فرمود: جبرئیل بمن گفت: وای بر نسل تو از فرزندان عباس عرض کرد: یا رسول ا... از زنان دوری نگزینم؟ حضرت به او فرمود:

خداوند از آنچه شدنی است فارغ شده است.

۷- شیخ جلیل محمد بن ابراهیم نعمانی. غیبت، قم: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۲. ص ۲۸۹.

ابی جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیه السلام که آنحضرت فرمود: آنگاه که آتشی از جانب خاور دیدید که همچون (مردی): رنگ زرد و سرخ سهمناک است که سه روز یا هفت روز سر می کشد به انتظار فرج آل محمد باشید (در بعضی از نسخه ها است: فرج بظهور قائم علیه السلام باشید) انشاء... عز و جل که خداوند عزیز است و حکیم.

سپس فرمود: صیحه بجز در ماه رمضان نخواهد شد (زیرا ماه رمضان) ماه خدا است (و صیحه در آن ماه است) و آن صیحه جبرئیل است که بر این مردم می زند:

سپس فرمود: آواز دهنده ای از آسمان بنام حضرت قائم آواز می دهد و هر که در خاور و باختر است می شنود، خفته ای نماند مگر آنکه بیدار شود، و ایستاده ای نماند مگر آنکه بزانو در می آید، و نشسته ای نماند مگر آنکه از وحشت آن صدا بر دو پای خود بایستد، پس خدا رحمت کند کسی را که از آن صدا عبرت بگیرد و پاسخ گوی آن شود که صدای نخستین صدای جبرئیل و روح الامین است.^۸

سپس فرمود آن صدا در ماه مبارک رمضان در شب جمعه شب بیست و سوم خواهد بود و تردیدی در این نداشته باشید و بگوش بسپارید و فرمان برید و در

۸- شیخ جلیل محمد بن ابراهیم نعمانی، غیبت. قم: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۶۲ ص ص ۲۹۷-۲۸۹.

پایان روز صدای شیطان ملعون بلند می شود که فریاد می زند: هان که فلانی
مظلوم کشته شد تا مردم را به تردید اندازد و گرفتارشان کند آن روز چه افرادی
که در شک و حیرت خواهند افتاد و با آتش سرازیر خواهند شد، پس آنگاه که
صدا را در ماه رمضان شنیدید تردیدی نداشته باشید که آن صدای جبرئیل است
و نشانه اش آنکه بنام قائم و نام پدرش آوازی دهد که دوشیزگان پس پرده می
شنوند و پدر و برادرشان را تحریک و تشویق می کنند که خروج کنند.

و فرمود: این دو صدا پیش از خروج حضرت قائم بناچار باید باشید یک صدا از
آسمان که صدای جبرئیل است. و صدای دوم از زمین است و آن صدای شیطان
ملعون است که نام فلانی را می برد و اینکه او مظلوم کشته شد و می خواهد تا
فتنه ای برپا کند پس شما باید از صدای نخستین پیروی بکنید و مبادا که از
صدای آخرین بشک و ریب افتید.

و فرمود: حضرت قائم قیام نمی کند مگر هنگامیکه مردم را ترسی سخت فرا
گرفته باشد و زمین لرزه ها و گرفتاری و بلا دامنگیر مردم شود و پیش از اینها
بیماری طاعون فرا رسد و شمشیری بران در میان عرب باشد و اختلاف سختی
بمیان مردم افتد آنچنانکه دینشان پاشیده گردد و حالشان دگرگون شود تا آنجا
که هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند از بس مردم آزار بینند و بجان یکدیگر می
افتند.

خروج آنحضرت هنگامی که مردم اینکه فرجی ببینند مأیوس و ناامید گردند، ای خوشحال بحال آنکه آن روزگار را درک کند و از یاران آن حضرت باشد و وای و تمام وای بر کسیکه با او ستیزد و با او و با دستورش مخالفت ورزد و از دشمنان شود. و فرمود: آن حضرت چون خروج کند قیام کند به امر نو و کتاب نو و روشن نو و حکومت نو که بر عرب سخت آید و کاری بجز گشتن نباشدش کسی را مهلت ماندن نمی دهد و در اجرای امر خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نهراسد.

نمونه هایی کوتاه از نویدهای جاوید

انجیل و نوید ظهور

کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را برافروخته کرده و مانند کسانی باشید که انتظار مولای خود را می کشند تا هر وقت که آمد و در را کوبید فوراً در را باز کنید... زیرا در ساعتی می آید که شما گمان آن را ندارید.^۹

امید و انتظار

اصل ضرورت امید و انتظار و آثار مختلف آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها، مسأله ای است غیر قابل انکار و در غیبت جامعه نیز جلوه ها و شواهد آن را

۹- شیخ جلیل محمدبن ابراهیم نعمانی. غیبت. قم: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۶۲ ص ۲۹۸.

به روشنی می بینیم و اصولاً پیروزی و شکست و عذاب و سعادت و در زندگی این دنیا و سرای آخرت در رابطه ی نزدیکی با اعمال با زیر بنای امید و انتظار و کیفیت آن قرار دارد.

امید و انتظار خصیصه ی تمام انسان ها در تمام عصرها و زمان ها در هر فرقه و طایفه ای است و هیچ انسانی به مقتضای فطرت خویش از امید و انتظار فی الجمله خالی نیست و برای حفظ شخصی از انحراف و خطا و ایجاد مقاومت در برابر مشکلات و گرفتاری ها و بالاخره حرکت به سوی تکامل و ابتکار و پیشرفت و بکار انداختن سرمایه های ارزنده ی انسانی هیچ وسیله ای بهتر از امید و انتظار، کارساز نیست.

و در مقابل برای نابودی شخصیت والای انسان ها و تخریب کلیه ی امکانات اجتماعی یک جامعه هیچ زهری موثرتر از یأس و ناامیدی نیست. یأس از اصلاح یک حالت بیماری است که انسان را به دوران جاهلیت و عقب نشینی دعوت می کند.

دشمنان انقلاب اسلامی نیز برای به بن بست کشاندن جمهوری اسلامی و سقوط آن، از این حربه مهلک و کشنده ایجاد یأس توسط عمال داخلی خود استفاده می کنند و اسلام و به دنبال آن رهبری انقلاب و امام امت و همچنین پس از او رهبر معظم انقلاب آیت ... خامنه ای نیز با توجه به آثار سوء ناامیدی و یأس پیروان

خود را همواره به امید و کوشش و مقاومت و صبر و تحمل فداکاری دعوت می کند. برای اینکه به دام ناامیدی گرفتار نشویم به ولایت حضرت مهدی اعتقاد داشته باشیم زیرا این امر لازمه ی ایمان هر مومنی است.^{۱۰}

در میان ادیان و مکاتب آسمانی موجود، تنها اسلام است که اهمیت خاصی به مسأله انتظار و امید داده است و برای آن کیفیت خاصی پیش بینی کرده است و در میان فرق مختلف اسلام نیز تنها مذهب تشیع است که به مسأله انتظار و امید، عنایت به خصوصی داشته و به آن در زندگی انسان ها عنایت خاصی می بخشد و آن را در مسأله «انتظار ظهور مهدی امام دوازدهم» متبلور می سازد.

گوا اینکه اساس چنین انتظاری در تمام ادیان موجود کم و بیش وجود دارد چنان که زرتشتیان، به جنگ دائمی «اهورامزدا» و «اهریمن» و پیروزی اهورامزدا اعتقاد دارند و تکلیف دینی خود را همکاری با خدا در آبادی دنیا و غلبه ی بر شیطان می دانند و حتی انتظار مصلح آخرالزمانی را می کشند و آن را سوشیانی می نامند. «برهمن ها» نیز نظیر همین عقیده را داشته انتظار مصلحی به نام «وشینو» را می کشند. و در دین مسیح نیز زمینه ی چنین انتظاری یا از قبیل بازگشت مسیح و ظهور «مساوی موعود» وجود دارد. چنانکه یهودیان نیز منتظر مصلحی به نام «ماشیع» مهدی بزرگ از نسل اسحاق می باشند و در روایات و اخبار

۱۰- حسین، حقانی - سیمای اسلام - قم: هجرت، ۱۳۷۴. ص ۵۱.

معتبر وارد در کتب اهل سنت نیز با وجود برخی از مسائل حکومتی از ۵۰۰ روایات از رسول اکرم (ص در مسئله مهدویت و انتظار امام غائب از دودمان رسالت وارد شده است.^{۱۱}

۱۱- حسین، حقانی، سیمای اسلام. قم: هجرت. ۱۳۷۴، ص ص ۱۹۴-۱۸۰.

مفهوم انتظار

«انتظار» یا «آینده نگری» به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند.

«بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر» بنابراین، مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است، عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود، و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است.^{۱۲}

انتظار در اعماق سرشت آدمی

بر خلاف گفته کسانی که فکر می کنند بذر اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ را شکستها و ناکامیها و نابسامانیها در سطح افکار می باشد، عشق به این موضوع مربوط به اعمال وجود آدمی است. گاهی به گونه پررنگ و گاهی کم رنگ. به تعبیر دیگر، انسان از راه دور - از راه عاطفه و از راه خرد - سرانجام در برابر چنین مسأله ای قرار می گیرد و سروش این ظهور را با دو زبان «فطرت و عقل» می شنود. به عبارت روشنتر، ایمان به ظهور مصلح جهانی جزئی از عشق به آگاهی و «عشق به زیبایی» و «عشق به نیکی» است که بدون چنان ظهوری این

۱۲- ناصر، مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، قم: نسل جوان، ۱۳۸۰. ص ص ۸۶-۸۵

عشقها به ناکامی می گراید و به شکست محکوم می شود. انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهان آخرین نقطه اوج این علاقه است.

امام مهدی (ع) در زمان حکومتش چگونه و بر چه مبنایی داوری و قضاوت میکند؟

همه پیامبران الهی و امامان بزرگوار علیه السلام، موظف بودند که میان مردم بر اساس شواهد و قوانین داوری کنند، و مبنای داوری خود را «بینه» قرار دهند و به عبارتی حکم به ظاهر کنند. اما در زمان حضرت داود (ع) استثنایی پیدا شد. داود نبی (ع) از خداوند مسئلت نمود که حق را آنچنان که هست بر او بنمایاند، خداوند متعال فرمود: تو نمی توانی آن را طاقت بیاوری. داود (ع) در خواهش خویش اصرار ورزید تا حق تعالی او را بر حقایق اوضاع آگاه ساخت، روزی مردی برای مرافعه به محضر حضرت داود آمده و عرض کرد که این مرد اموال مرا به زور گرفته است.

خداوند حضرت داود (ع) را آگاه ساخت که این شاکی، پدر مورد شکایت خود را کشته و اموالش را دزدیده است. آن حضرت دستور داد تا شاکی را به عنوان قصاص کشتند و اموالش را گرفته، و به شخص مورد شکایت داده اند. این نوع داوری بر مردم گران آمد، همه جا مسائلی مطرح شد که بر داود سخت آمد، و لذا از خداوند متعال مسئلت نمود که این نوع داوری را از او بگیرد. خداوند تعالی

فرمود: در میان آنها بر اساس بینات و شواهد داوری کن و از آنها بخواه که به نام من سوگند یاد کنند.

و اما در عصر مهدی موعود (عج)، از آنجایی که عقلها کامل شده و فساد از روی زمین برچیده می شود، و در برابر قدرت با عظمت آن امام همام کسی جرأت سمپاشی و نفاق تحریف می شوند که جاذبه خود را از دست می دهند، یکی از رسالتهای امام زمان (عج) پیراستن اسلام از این آلودگی ها و خرافات و پیرایه ها، و به تعبیر دیگر، نوسازی بنای کاخ شکوهمند اسلام است. از این رو، در پاره ای از روایات از این نوسازی تعبیر به «دین جدید» شده است.^{۱۳}

امام صادق (ع) می فرماید: «هنگامی که قائم خروج کند، امر جدید و کتاب جدید و روش جدید و داوری جدیدی با خود می آورد.»

یعنی در آن زمان اسلام را آنچنانکه از لابه لای انبوه خرافات و تحریف ها و تفاسیر نادرست بیرون می آورد. که گویی بنایی کاملاً نو و جدید ساخته است.

اما راجع به قرآن جدید، این گونه می توان توضیح داد: یکی اینکه، قرآن جدید همان قرآنی است که امیرالمومنین (ع) به همان صورت و ترتیب، که در ۲۳ سال بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است جمع آوری کرده است. چنان که امام باقر (ع) فرموده است: «هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، خیمه هایی نصب می

۱۳- علیرضا - رجالی تهرانی، پیرامون امام زمان عج، قم: نبوغ، ۱۳۸۳. ص ص ۲۱۱-۲۱۲.

کند برای کسانی که قرآن را همانطور که نازل شده به مردم تعلیم دهند، این مشکلترین کارهاست. زیرا آن قرآن به عکس قرآن فعلی جمع آوری شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «قائم از فرزندان من است...، مردم را به پیروی من و آیین من وامی دارد، و آنها را به کتاب پروردگارم دعوت می نماید.»^{۱۴}

۱۴- علیرضا - رجالی تهرانی - پیرامون امام زمان (عج)، قم: نبوغ، ۱۳۸۳. ص ص ۲۱۵-۲۱۴

حکومت الهی جهانی

حکومت جهانی اسلام، هدف انبیاء الهی و جانشینان آنان بوده است هدفی که جز در مدت کمی، به آن دست نیافتند، و در آن مدت کم نیز، با انواع توطئه های دشمنان خارجی و مقاومت های داخلی روبه رو بودند، اما قیام امام مهدی (ع) در زمانیکه آمادگی پذیرش از داخل امت موجود است، و دشمنان خارجی سرکوب شده اند به برپائی حکومتی مبنی بر توحید در سرتاسر جهان منجر می شود و نابودی کفر و شرک و نفاق در سراسر گیتی را در پی دارد. از مشخصات جامعه زمان امام مهدی (ع) این است که قدرت بدست آمده به «مستی قدرت» دچار نشده و به «بغی و تجاوز بناحق» نمی افتند.

حکومت الهی جهانی مهدی (ع) که مستقر شد، به «اقامه حدود» می پردازد. حدود الهی، احکامی هستند که خداوند برای برپایی نظم و نظام جامعه، توسط پیامبران و فرستادگان خود، به مردم فرستاد، و تمام خیر دنیا و آخرت آنها را موکول به اجرای آنها دانسته است، چرا که جنبه علمی دین را تشکیل می دهند.

البته حوزه «حدود...» بسیار گسترده است، و تمام روابط میان انسان و خدا، بین انسان و خودش و بالاخره روابط انسان با جامعه و حکومت را در برمی گیرد. دو دسته اول روابط بهیچ وجه تعطیل بردار نیست.^{۱۵}

۱۵- عباس، حجتی، خورشید کعبه. قم: صدرا. ۱۳۷۴. ص ص ۲۳۸-۲۳۷.

انسان باید در هر موقعیتی حدود خود درباره خدا و خودش را جاری کند. اما اجرا و اقامه دسته سوم حدود (در رابطه با جامعه و حکومت و ...) موکول به وجود بسط ید و برقراری قدرت و حکومت اسلامی است که البته شرایط را برای ظهور حکومت مطلقه اسلام دولت مهدی آماده سازند که انقلاب اسلامی ایران گامی است، بس بلند در راستای این هدف.

اقامه حدود الهی، هدف ائمه (ع) از فعالیت‌های گوناگون آنها بوده است.

اسلام در آخرالزمان غریب است، چنانکه در زمان بعثت حضرت رسول (ص) غریب بود. توضیح این مطلب را از زبان عالم بزرگ قرآنی مرحوم شیخ مجتبی قزوینی چنین می‌خوانیم که:

از بدیهیات که عمل به قوانین اسلام عین عدل و داد و رفع ظلم و جور است چنانکه بالعیان دیده شده هر مقداری که از عمل به قوانین اسلام کم شده ایجاب ظلم و جوری در عالم نموده است. از این بیان روشن می‌شود که رفتار و سیرت آن حضرت روحی فداه چنان خواهد بود که گمان می‌شود که دعوی او کتاب و امر و قضاوت تازه است.^{۱۶}

اسلام، همه این ضربه‌ها را، از سوی پیروان ظاهر می‌خورد، از این رو امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، مردم را مجدداً به اسلام فرا

۱۶- عباس، حجتی، خورشید کعبه، قم: صدرا، ۱۳۷۴. ص ۲۳۹.

می خواند و به امری هدایت می کند که از میان رفته است و مردم، از آن مسیر گمراه شده اند و «مهدی» نامیده شد به دلیل اینکه به امر گم شده هدایت می کند و بخاطر قیام به حق «قائم» نام گرفت.»

هنگامی که قائم خروج کند، امر تازه، کتاب تازه، و روش تازه و داوری تازه ای با خود می آورد. روشن است که تازگی این برنامه ها و روشها و داوریهها بخاطر آن است که آنچنان اسلام را از خرافات، تحریفها و تفسیرهای نادرست بیرون می آورد که بنائی جدید جلوه می کند.^{۱۷}

برپایی عدالت در زمان آخر الزمان (ع)

عدالت، روشن ترین فراز قیام شکوهمند امام مهدی (ع) است. حدیث مشهور پیامبر اسلام (ع) که فرمود: «مهدی زمین را پر از عدل و قسط می کند، چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد.» به دلیل سلطه هزاران ساله ظلم بر نظامهای حکومتی جهان، و تماس عینی مردم با مسائل اجتماعی، مفهوم «عدالت» تاکنون بیش از همه، در بعد «عدالت اجتماعی» توضیح و بررسی شده است. در حالیکه «عدل» مفهومی آنچنان وسیع دارد، که جز در گسترده «توحید» معنی پیدا نمی کند، عدالت را با قرار دادن هر شی در موضوع خود معنا نموده اند. بدیهی است، گسترش این معنی، تا حدی است که رویارویی حق و باطل را در تمام تاریخ در

۱۷- همان منبع، ص ۲۴۲.

بر می گیرد، که «قسط» تنها گوشه از این رویارویی، در صحنه حقوق اجتماعی است و مجموعه عظیم روابط انسان با خدا و انسان با خویشتن در ظرف «قسط» جای نمی گیرد. در عصر آن مصلح بزرگ، آموزشهای اخلاقی با وسائل ارتباط جمعی فوق العاده پیشرفته آنچنان وسعت می گیرد که اکثریت قاطع مردم جهان را برای یک زندگی صحیح انسانی و آمیخته با پاکی و عدالت آماده سازد.

در راستای آن عدالت اجتماعی را در جهان حاکم می سازد زیرا بسیاری از جرائم و مفسدات اجتماعی ریشه دار ثروت اندوزی برخی و استثمار طبقات ضعیف و حيله و تزوير و انواع تقلبها و دروغها بخاطر درآمد بیشتر است. اجرای عدالت اجتماعی سهم بسزائی در سلامت جامعه جهانی خواهد داشت.^{۱۸}

آسایش و رفاه و امنیت، هدف نهائی حکومت اسلامی نیست بلکه از نتایج آن است نتیجه ای که باید در راه هدف نهائی یعنی عبادت خدا بکار گرفته شود.

هنگامی که قائم قیام کند حکومت را بر اساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در عصر او برچیده می شود.

مساوات و برابری

آن حضرت به مقتضای علم امامت و وحی قضاوت می کند.

۱۸- عباس، حجتی، خورشید کعبه، قم: صدر، ۱۳۷۴. ص ۲۴۹.

مساوات و برادری در زمان ظهور امام غائب در سطح جامعه بشری گسترش پیدا می کند و این در اثر ترقی فکر و اندیشه و نیروی عقل و خرد و تکامل ایمان امکان پذیر می گردد به طوری که آرامش برقرار و زندگی در کنار همدیگر لذت بخش می شود و درآمد و پول و سرمایه یکی محل استفاده دیگری واقع می شود.

البته این جامعه دارای مساوات و برادری غیر از جامعه ای است که منافقین خلق! و طرفداران به اصطلاح «جامعه بی طبقه» ادعا می کنند. زیرا آن معنی از جامعه بی طبقه که هیچ تفاوتی بین اقشار مختلف وجود نداشته باشد و همه ی مردم از همه لحاظ در یک سطح باشند امکان پذیر نیست و اصولاً معقول نیست و مطالعه ی طبیعت و نهادهای طبیعی و اختلاف نیروی فکر و اندیشه و کشش روحی افراد و دست آورد آن ها در تمام جوامع بشری هرگز این تصور ایده آلیستی خلقها را تأیید نمی کند که در جای دیگر بایست به تفصیل آن را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داد.

آن چه از روایات معتبر استفاده می شود این است که در جوامع تحت حکومت مهدی مسأله تکاثر در اموال و کنز و ربا و جمع آوری مال و ثروت اصولاً مطرح نیست، نه اینکه اجباری در این موضوع وجود دارد بلکه روح ها تکامل یافته و اندیشه ها سطح بالا پیدا کرده و تنها جنبه های انسانی در این جوامع، مورد توجه

قرار می گیرد و تمام کوشش ها و تلاش ها، آبادانیها و فعالیتهای بر طبق دستور اسلام انجام می گیرد و لیکن مصرف به قدر احتیاج و نیاز زندگی می باشد و طبعاً از رغبتها و اندوخته های غیر معمول و حرص و طمع و تکاثر خبری نیست. حتی در برخی روایات وارد است که مسأله سود و ربا در تجارت ها در زمان حکومت عدل مهدی وجود ندارد، چون همه امکانات در اختیار همه است البته به قدر نیاز و احتیاج و این از مختصات جامعه است که اسلام تحقق آن را به همگام ظهور امام مهدی وعده داده است.

حتی گرفتاری ها و قحطی ها و بدبختی ها و فقر و ناداری که در دوران غیبت در گوشه و کنار جهان دیده می شود و زیاد در مطبوعات و رسانه های گروهی می خوانیم که در آفریقا و آمریکای لاتین و ... انسان ها از گرسنگی جان می دهند و اکثر ممالک دنیا حتی ممالک متمدنی از چین گرفته تا شوروی به کمبود غذایی دچار هستند و استعمارگران نیز از این موقعیت استفاده کرده و به استثمار جامعه های گرسنه و فقیر می پردازند در دولت حضرت مهدی وجود نخواهد داشت.^{۱۹}

امنیت جهان در سایه تمدن حضرت مهدی (ع)

۱۹- حسین، حقانی. سیمای اسلام، قم: هجرت، ۱۳۷۴. ص ص ۱۷۵-۱۷۴.

اگر بخواهیم درباره امنیت سخن گوئیم باید بیان کنیم که در یک جامعه چندگونه امنیت را می توان تصور کرد:

۱- امنیت فردی

۲- امنیت اجتماعی

۳- امنیت منطقه ای

قطعا برای تأمین سعادت و آسایش انسان در این جهان به همه گونه امنیت نیاز است و به مجرد از بین رفتن یکی از آنها حیات انسان در معرض خطر جدی می افتد. تحقق امنیت آرمان همه امتهایی است که خواستار پی ریزی یک تمدن انسانی می باشند و اگر امنیت و آسایش سیاسی یک کشور دچار مشکل شود برپایی هر نوع تمدن و به دست آمدن هرگونه پیشرفت اگر نگوئیم محال است لااقل بسیار دشوار خواهد شد. امروز جهان بیش از هر زمانی در جستجوی امنیت و آسایش است مسابقات تسلیحاتی در همه کشورها، امنیت و صلح جهانی را به مخاطره افکنده است و به نظر می رسد که امروز بشر بیش از پیش به امنیت و صلح نیازمند می باشد. برای تحقق امنیت و صلح در کل جهان «سازمان ملل» پایه ریزی شد و پس از جنگ جهانی دوم به منظور نظارت بر امنیت جهانی «شورای امنیت» پایه گذاری گردید.

این دو نهاد از گذشته دور برای تحقق صلح جهانی و دستیابی به امنیت کلی، کوششهای فراوان در سطح بین‌المللی مبذول داشته است. اما آیا با تلاشهای این سازمانها صلح و امنیت جهانی تحقق پذیرفته است؟! هرگز ...

نه تنها هنوز صلح و امنیت به وقوع نپیوسته است، بلکه بعید هم به نظر می‌رسد در آینده این آرمان توسط این نهادها و یا نهادهای شبیه آنها تحقق پذیرد. جنگ ویتنام، بحران خاورمیانه، جنگهای نژاد پرستانه و... نمونه‌های بارز این بحران‌هاست و نیز وجود باندهای مسلح، گروههای آنارشیزم هرج و مرج طلب، جنگهای سرد میان ابرقدرتها، کودتاهای خونین نظامی، اعتصابات و جنگهای مسلحانه خیابانی در کشورهای جهان و تمامی اینها دستیابی به صلحی پایدار را ناممکن می‌سازد. مهم‌تر از این سیر روزافزون تولید اسلحه‌های مخرب و نسل برافکن و آزمایش آن در روی ملتهای ناتوان است. اگر کشوری هم بخواهد خود را از این جنجالها دور کند و به راه صلاح رود و در تأمین امنیت تلاش کند، ناامنی منطقه‌ای و تحریکات جهانی باز امنیت آن کشور را هم به خطر خواهد افکند. سیر گسترده تولید سلاحهای هیدروژنی و نوترنی آسایش جهانی را تهدید می‌کند.^{۲۰}

برتراندراسل متفکر بریتانیایی در کتاب «Has Man A Future?» می‌گوید:

۲۰- جلال برنجیان. آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۶۰

ملتهایی که سرگرم جنگ سرد هستند سالیانه ۳ هزار میلیون پوند یا در هر ثانیه ۶۶۰۰۰ پوند در راه تدارک آدمکشی خرج می کنند... بیش از نیمی از مردم جهان غذا به مقدار کفایت نمی خورند نه به آن جهت که لازم است این طور باشد، بلکه بدان جهت که ملتهای ثروتمند ترجیح می دهند به کشتن یکدیگر مشغول شوند تا به ملتهای فقیرتر یاری کنند. و در فصل «دانشمندان و بمب هیدروژنی» می گوید:

اگر جنگ عمومی آغاز شود و اسلحه ای که امروزه در دسترس است مورد استفاده واقع شود، احتمال آن می رود که جهان چنان آغشته به ذرات رادیواکتیو گردد، که جنگ منجر به نابودی همه ملتها شود اعم از متخاصم و بی طرف.

اینها نمونه هایی بسیار گذرا و محدود از اوضاع وخیم جهان امروز است که نشان می دهد جهان از نظر امنیت سیاسی سخت دچار مشکل می باشد. اما اوضاع امنیت اجتماعی نیز بسیار اسفبار است. در بیشتر جوامع جهان به ویژه جوامعی که می پندارند به اوج قلعه سعادت رسیده اند، ناهنجاریهای اجتماعی به صورتی دهشت بار و ترس آور شیرازه این جوامع را از درون می گسلد. سیر جنایات هر روز رو به افزایش است. سرقت، قتل، تجاوز، آدم ربایی، آدم فروشی و ... به شکل عجیبی رو به فزونی نهاده است. گزارشهای مستندی که از کشورهای جهان می رسد گواه روشنی از این ناامنی است و این نه تنها منحصر به مفاسد اجتماعی است، بلکه ناامنی اقتصادی که توسط شرکتهای بزرگ جهانی

بر سرتاسر جهان عرضه می شود امنیت اجتماعی را در بسیاری از مناطق جهان به خطر افکنده است. عدم اعتماد اجتماعی، بی ثباتی اقتصادی، سیر فزاینده جرایم و مفسد جمعی.

تمدن امروز جهان رویارویی عقیدتی را تشدید می کند و بحرانهای اقتصادی ناشی از طبیعت و سرشت این تمدن که بر پایه و اساس تفسیر مادی از زندگی و حیات آدمی پایه ریزی شده است- هر روز اختلاف سطح زندگی در میان افراد مختلف جهان را افزایش می دهد. اگر تا دیروز اضطراب یک انسان برای لقمه ای نان برای زیستن بود، اما امروز کمبود تمام وسایل زندگی مرفه مادی عوامل اضطراب آفرین در حیات مادی است کمبود فضاهای آموزشی، کمبود وسایل برقی برای زندگی در جامعه کنونی، کمبود مواد اولیه برای تولید تکنولوژی، کمبود مسکن و خانه ها در سیستم شهری، کمبود ماشین و وسایل تردد بین شهری، کمبود کار در نظام اداری، کمبود هوای سالم در مراکز تجاری شهرهای بزرگ و ... تمامی این مسائل اضطراب و ترس از آینده را در درون انسان افزایش می دهد.

اصلاح امتهای در سطح جهانی کاری ساده نیست و تجزیه گذشته نشان داده است که توان این گونه اصلاحات در گستره جهانی کاری بس دشوار است و خدای متعال این اقدام بزرگ را بر عهده آخرین سلاله پاکان و انجام اوصیای الهی و

آخرین معصوم از نسل احمدی، حضرت بقیه ا... الاعظم جحه بن الحسن العسکری قرار داده است و باید که بشر با امید به آینده اولاً اضطرابات فردی را کاهش دهد و در مسیر تحقق آن آرمان بزرگ گامهایی هر چند اندک بردارد و با ایمان به فردایی روشن و امید به یاری حضرت یزدان در جهت نجات مومنان و پیروان پیامبر آخرالزمان آئینه جان را در مسیر زمینه سازی برای آن قیام شکوهمند از زنگارهای گناه و پلیدی جلا دهد و در مسیر برپایی آن قیام شکوهمند گامهایی استوار بردارد.^{۲۱}

عدالت اجتماعی در عصر طلایی مهدی (عج)

عدالت اجتماعی که پیامبر اسلام (ص) در طول ۲۳ سال با تحمل رنج و شکنجه در جامعه ای دور از تمام فضایل انسانی ایجاد کرد، متأسفانه به خاطر عدم پذیرش خلافت علی (ع) رنگ باخت، و با شهادت اسوه عدالت در محراب مسجد کوفه، عدالت نیز مدفون شد. دکتر علی الوردی می نویسد:

دین مساوات را که پیامبر آورد، با علی بن ابیطالب در یک قبر مدفون شد.

و با به انزوا کشانیدن امامان (ع) و عدم یاری آنان در مسیر اهداف بلندشان بشریت محروم از عدالت خاندان وحی شد، و این ستمگری بدانجا رسید که دست بر در خانه حضرت عسکری (ع) بردند و قصد جان موعود اهم حضرت بقیه ا... بر در خانه حضرت عسکری (ع) بردند و قصد جان موعود اهم حضرت بقیه ا...

۲۱- جلال، برنجیان، آینده جهان، تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ص ۶۳-۶۲.

الاعظم (ع) را نمودند، و خدای آن یگانه واپسین امامت را با پرده غیب مصون داشت، تا با پیدایش انسانهایی والاگهر که محیای تحمل بار گران عدالت اجتماعی شوند، آن عدالت کم نظیر در جهان شکل گیرد. دامنه عدالت امام مهدی (ع) همه جا را فرا می گیرد، از ستمهای فراگیر تا بی عدالتی در نظام خانه، از ظلمهای اقتصادی تا خوردن مال دیگری به شوخی، از چپاولگریهای بین المللی تا بر گرفتن دانه ای کم ارزش از مال کودکی یتیم، از جنگ افروزی های جهانی تا آتش افروختن های در میان خانواده، از نظام خود تحمیلی فراگیر تا خودستایی در میان جمعی محدود و خلاصه مهدی (ع) چنان عدالتی را بیاورد که جهان چون او را ندیده باشد. ما در اینجا تنها اشاره هایی کوتاه به مواردی اندک می کنیم: اول العدل و آخره. او ابتدای عدالت و نهایت آن است.^{۲۲}

امام صادق (ع) فرمودند:

چون قیام قائم آغاز شود، قطاع از میان می رود، و دیگر اقطاعی در میان نخواهد بود.

امام موسی کاظم (ع) در اوصاف حضرت مهدی (ع) می فرمایند:

خداوند هر سختی را برایش آسان و ... طومار زندگی ظالمان را توسط او در هم می پیچد و بالاخره هر شیطان پلید را به دست او نابود می سازد.

۲۲- جلال، برنجیان، آینده جهان، تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۶۷.

و نیز امام صادق (ع) در مورد عدالت فراگیر حضرتش فرمودند:

به خدا سوگند عدالت او در خانه هایشان وارد می شود همچنان که گرما و سرما وارد می شود.

در زمان حکومت حضرت مهدی (ع) میان همگان داد و دادگری حاکم می شود، حکم داوری در میان افراد جاری می گردد و حاکمان دوستان رعیت و رعیت دلبستگان فرمانروایان می گردند، نیکان عزیز می شوند و شروران خوار، صالحان سربلند می گردند و فاسدان بدنام، صدیقین آبرومند می شوند و دو چهرگان بی آبرو. در زمان حاکمیت مهدی (ع) تمام حقوق پایمال شده ملتها باز ستانده می شود، حق هر صاحب حقی باز پس داده می شود، گرچه به دست گذشتگان غصب شده باشد. امام صادق (ع) در این باره فرمودند:

این جهان به اتمام نخواهد رسید مگر آنکه مردی از تبار من خروج می کند و به سان حکومت داوری حکم می کند و مدرک و سند نمی طلبد و هر که را به حق حکمش را عطا می فرماید.

یعنی اگر حق فردی بر باد رفته و تمام مدارک نابود شده و کسی حاضر به شهادت بر علیه ظالم نباشد، در دوران مهدی (ع) حضرتش با دانش بیکران الهی و الهام یزدانی حق را از ناحق می شناسد، اگرچه گواه نباشد و به حق فرمان می دهد و داد مظلومان ستم دیده را از ستمگران باز می ستاند گرچه حق همسر

نسبت به همسرش باشد و یا حق پدر بر فرزندش و یا حق حاکم بر رعیت و حق رعیت بر حاکم که دوران او عصر اتمام همه مشکلات جمعی و فردی است.^{۲۳}

آبادانی در عصر طلائئ مهدی (عج)

در دوران پر برکت مهدی (ع) تمام زمین به حکم یک شهر خواهد شد که از ساختمانهای به هم پیوسته برخوردار است و چنان که زمین گنجایش جای دهی به همه جمعیت را نداشته باشد دیگر کرات آسمان مورد استفاده مردم قرار خواهد گرفت. چرا که عمرها طولانی، زاد و ولد بسیار می شود و مرد نمی میرد مگر هزار فرزند خویش را می بیند. در آن عصر ابزار و وسایل مسافرت به دیگر کرات آسمان به صورتی بسیار ساده و آسان و سریع فراهم خواهد شد.

راههای سراسری میان کشورها کشیده می شود. تمامی دشتهای خشک و بی آب و علف سرسبز خواهد شد. کویرهای تفتیده جنگلهای سرسبز و با درختانی انبوه می گردند. چشمه های خوشگوار در تمامی زمین جاری می گردند، رودها و آبشارها پر آب خواهند شد. در وضعیت روشنائی زمین تغییرات بنیادی صورت خواهد پذیرفت. تو گویی که در آن عصر نیازی به خورشید نباشد، اما نوع و گونه اش امروز بر ما پوشیده است. زمین زیر پای مردمان در نور دیده می شود و در سرعتی چون سرعت نور طی مسافت خواهند کرد در حالی که نیاز به

۲۳- جلال، برنجیان، آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۷۰.

مرکبهای کنونی نداشته باشند. در عصر حکومت مهدی (ع) نه آلودگی هوا خواهد بود و نه مشکلات جوی، نه کمبود هوای سالم خواهد بود و نه مشکل کم آبی حتی تمامی آلودگی ها از آنها زدوده می شود. مرکز حکومتش را مسجد کوفه قرار می دهد. همان جایی که علی (ع) بنای گسترش عدل خویش را از آنجا آغاز کرد.

این شهر به عنوان پایتخت کشور جهان خواهد بود و حکومت واحد جهانی از این شهر گرامی اداره می شود. گستره این شهر فرسنگها خواهد شد. همگان آرزو خواهد کرد که ای کاش در این شهر زندگی می کردند.^{۲۴}

معلقات سبعه بابل در عهد باستان بر این شهر و شهرهای کشور مهدی (ع) رشک خواهد برد، بهشت شداد در آن عصر چون آبادی کوچکی در برابر شهری بزرگ خواهد شد. از همان مأذنه ها که صدای «قُتِلَ امیرالمومنین» (امیرمومنان علی (ع) کشته شد) در فضا طنین افکند، صدای «أَنَا الْمَهْدِي، انا بقیه ا...، أَنَا صَمَّصَامُ الْمُنتَقِم» من مهدیم، من بازمانده خدایم، من آن شمشیر آخته یزدان برای انتقام از نابکارانم، در جهان بلند می شود، اما دیگر به معاویه ها و ابوسفیانها، عمر و عاص ها و شُرَیح ها اجازه فتنه گری در مملکت توحید نخواهد داد. او داد نیای گرامیش علی (ع) را از ناکثان و قاسطان و مارقان خواهد گرفت. او منشور جهانی

۲۴- جلال، برنجیان، آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۷۵.

علی (ع) را در خطاب به مالک اشتر در پیش روی خواهد نهاد که حضرتش یکی از وظایف فرمانداران خویش را آبادانی در مملکت قرار داده است: این فرمانی است از بنده خدا علی بن ابیطالب به مالک اشتر فرماندار مصر، در پیرامون اصلاح حال مردمان آن سامان و ساختن شهرها و آباد کردن آنجا و ...

عصر حکومت مهدی (ع) دوران کمال انسانی، روزگار رهایی انسانها از بندهای عبودیت نفس و زمان جدایی بشریت از فساد ظاهر و باطن است.^{۲۵}

امام باقر (ع) فرمودند:

هر گاه قائم ما قیام کند دست (مبارک) خویش را بر سر بندگان قرار می دهد و به موجب آن عقلهایشان متمرکز می گردد و اخلاقشان کامل می شود.

دوران حکومت مهدی (ع) دوران اخلاق نیکو و سلامت نفس است، دوران آزادی انسانها از اسارت خواستهای شیطانی است، عصر رهیدن بشریت از غرورهای جاهلی است و دوران بیدار شدن خردهای خفته است. بشر به آزادی خویش گرد تباهی نخواهد گشت. چرا که نه کمبودی است که به خاطر جبران آن دست به تباهی آلوده کند و نه پلیدی ارزشی دارد که گرد آن بگردد و نه پلید خیره سری وجود دارد که دعوتگر انسانها به تباهی باشد همگان خدای واحد را خواهند

پرستید و در بارگاه قدس او تنها سر بر خاک خواهند سائید و حلاوت و گوارایی
بندگی در آستان ایزد منان را به کام جان خواهند چشید.^{۲۶}

تمدن آینده جهان در لوای حکومت مهدی (عج)

اکثر تمدنهای بشری به خاطر نقایص در توان اداره جامعه، حکومتشان به افول
گراییده است که این نقصها نوعاً به خاطر عدم شرایط لازم برای اداره صحیح و
متعادل جامعه، یا کمبود معنویات و عدم توجه به مبدا فیاض، یا نقصان نیروهای
پرواپیشه و وارسته که هوسها و خواستهای شخصی خود را بر منافع عموم
مردم ترجیح ندهند، یا عدم امکانات اجتماعی و ناتوانیهای مالی، یا عدم ایجاد
عدالت اجتماعی و ... بوده است. حتی تمدنهایی که مسلمین تا قرن هفتم و هشتم
هجری در جهان برپا کرده اند نیز به خاطر عدم شرایطهای لازمه برای یک
حکومت صالح، دوران اقتدار آنها هم به اتمام رسیده است و دوباره تمامی بافته
هایشان رشته شده است. اما دورنمای تمدن آینده جهان در پناه حکومت حضرت
مهدی (عج) از چنان دقت هایی برخوردار است که تاریخ بشر در عمر دیرینه خود
شاهد آن نبوده است. گرچه طرح و اساس این حکومت در سخنان رهبران الهی و
سفرای حضرت یزدان به نیکویی ترسیم شده است، اما بارور کردن آن طرحهای
خودکاری است که در توان دیگران نیست. حتی به خاطر عدم فراهم بودن شرایط

۲۶- همان منبع، ص ۹۲.

لازم بزرگان سفرای الهی نیز توفیق برپایی آن جامعه وارسته را نیافته اند. زیرا حکومت صالح جهانی تنها در پناه شمشیر فراهم نمی آید، بلکه باید عموم مردم جهان پس از واخوردگی از تمامی ادعاهای دروغین مدعیان کاذب روی به سوی حضرت حق کنند و از صمیم جان ظهور منجی الهی را درخواست کنند و باید پرواپیشگانی خود ساخته فراهم آیند تا بار آن جامعه صالح را به دوش کشند و خود گرفتار ظاهر فریبی نفاق پیشگان نشوند. چنان که پس از رحلت بزرگ پیامبران الهی مردمان هواپرست که دین را وسیله ای برای نیل به مطامع حیوانی خویش دیده بودند، با ظاهر فریبی، اوصیای انبیا را خانه نشین کردند و اکثر تلاشهای پیامبران را کم ثمر نمودند. که تاریخ از اینگونه وقایع گزارشات فراوانی دارد.^{۲۷}

باری تمدن صالح و پایدار آینده جهان زمانی آشکار می شود که بشریت از تجربه ها و آزمونهای ناموفق تمامی راهها و روشهای مختلف و ادعاهای واهی مکاتب گوناگون به ستوه آید و همگان باور کنند که این مکاتب و راه و روشها هرگز نمی توانند سعادت مطلوب را برای بشر به ارمغان آورده و هنگامی که حکومت حضرت مهدی (عج) با توجه به صلاحیتهای حضرتش و امکانات فراوان

۲۷- جلال، برنجیان، آینده جهان تهران: مهارت. ۱۳۷۶، ص ۳۵.

آن بزرگوار به اجازت پروردگار آشکار شد، همگان با خواست قلبی بر آن گردن نهند که به فرموده قرآن:

هیچ اکراه و فشار روحی در پذیرش دین نیست.

در ذیل به گوشه ای از ویژگیهای آن حکومت اشاره می کنیم:

۱- وارستگی ها و صلاحیتهای رهبری:

رهبری حکومت واحد جهانی را خدای متعال بر عهده بنده صالح خود حضرت حجت بن الحسن قرار داده است و او یگانه انسان است که امروز خدای متعال، معصوم بودن او را امضاء فرموده است و اوست که از هر پستی و آلودگی، اشتباه کاری و خطا بر کنار است و هیچ پلیدی و ناپاکی در او یافت نمی شود. خدای متعال درباره او و پدران گرامی اش و ناموس کبریا، صدیقه کبری، فاطمه زهرا (ع) فرموده است:

«انما یرید ا... لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»

همانا خدای چنین خواسته است که تمامی ناپاکیها را از شما اهل بیت بزداید و شما را از همه پلیدی ها پاک نماید.

حضرت رضا (ع) در دعایی که به یونس بن عبدالرحمن تعلیم فرمودند در فرازهایی از آن می فرمایند:

خدایا همانا او (مهدی موعود) بنده توست که او را برای خودت خالص فرموده ای و بر غیب و پنهانی خویش برگزیده ای و او را از هر گناه دور داشته ای و از هر عیب و نقصی در امان قرار داده ای و از هر پلیدی پاکش نموده ای و از هر آلودگی سالم داشته ای. خدایا ما در روز قیامت و همان روز حادثه شگفت، شهادت می دهیم که همانا او (حجت بن الحسن) هیچ گناهی مرتکب نشده و خطایی را به جا نیاورده است و هیچ طاعت و فرمانبرداری را ضایع و نابود نکرده و هیچ حرامی را مرتکب نشده و هیچ واجبی را واژگون نکرده و هیچ آیین و شریعت را تبدیل نموده است.^{۲۸}

اما از نظر دانش و بینش باید گفت که او امروز همتای جدش علی بن ابی طالب (ع) است و دانشهای علوی در سینه او موج می زند. دانش او مرز و اندازه ای ندارد. آن حضرت گنجینه دانش الهی در زمین است و تمام علوم پیامبران گذشته به حضرتش به ارث رسیده است. او به همه زوایای این جهان گسترده آگاهی دارد، راههای آسمان را به گونه ای می شناسد که دانشمندان امروزین حتی آن قدر به راههای زمینی آگاهی ندارند او دستی بر تمام گیتی دارد و با ساکنان دیگر عوالم چنان سخن می گوید که ما با زمینیان سخن می گوئیم. خواستهای شیطانی و

۲۸- قرآن کریم. سوره احزاب. آیه ۲۳.

هوسهای حیوانی در وجود او یافت نمی شود و او عصاره انسانیت و خلاصه فضیلت است. امیرمومنان (ع) در وصف امام قائم (ع) می فرمایند:

او هوای نفس رامطیع و پیرو هدایت می کند، آنگاه که مردم هدایت را معطوف هوی و هوس نمایند و رأی و نظر را پیرو قرآن می گردانند، در حالی که مردم قرآن را تابع هوای نفس قرار دهند.^{۲۹}

صبر و شکیبایی، تحمل سختی و بردباری یکی از عوامل مهم در پیشبرد اهداف الهی است و سفرای الهی با سلاح صبر و شکیبایی، به آرمانهای الهی خود جامه عمل پوشانیده اند. امام مهدی علیه السلام نیز الگوی شکیبایی است. در لوحه ای که از جانب خدا در ولادت امام حسین (ع) بر حضرت زهرا (ع) نازل شد در ویژگی امام مهدی (عج) دارد:

در او کمال موسی و نورانیت عیسی و صبر و شکیبایی ایوب وجود دارد. دامنه مهمان نوازی او مهمان نوازی ابراهیم خلیل را به یاد می آورد. شریف و ضعیف، غنی و فقیر، دانا و نادان، بزرگ و کوچک بر سر خوان احسان او یکسان می نشینند.

سیدبن طاووس می گوید: پس از خواندن زیارت روز جمعه امام زمان بگویید:

نَزَّ يُلُكَ حَيْثُ مَا أَتَّهَجَّهتْ رِكَابِي وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبَلَاءِ

۲۹- جلال، برنجیان، آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۳۷.

هر جا که فرود آیم و راحله ام به هر سو که روان شود، بر تو وارد می شوم و در هر کجا که از شهرها باشم، میهمان تو هستم.^{۳۰}

خلاصه حضرت مهدی (ع)، هم از نظر سجایای انسانی و والایی شخصیت و هم از نظر دانش و بینش آن چنان والاگهر است که نمونه اش را جز در میان خاندان معصوم پیامبر اکرم (ص) نمی توان جست و اوست که خدای متعال صلاحیت رهبری او را تایید فرموده است و بیان کرده است که از او جز نیکویی چیز دیگری به افراد نمی رسد. خدای متعال در قرآن می فرماید:

بقیه ... خیر لکم ان کنتم مومنین.

بازمانده خدا (مهدی) برای شما (مطلق) نیکویی است اگر در زمره مومنان باشید یکی دیگر از ویژگیهای مهم در وجود رهبران الهی، انسانیت و بزرگواری، گذشت و قدرشناسی آنان می باشد، که ما از اینگونه سجایای انسانی در وجود همه انبیا و اوصیای آنان سراغ داریم، میهمان نوازی ابراهیم خلیل، گذشت و عفو یوسف صدیق، و عطوفت بیکران خاتم انبیا همه گزارشگر روح بزرگ آنان است و حضرت مهدی (ع) به عنوان وارث همه انبیا نیز برخوردار از صفات و سجایای بلند انسانی است.

اولین کاری که مهدی (ع) انجام می دهد این است که در همه عالم ندا می کند «توجه کنید هر کس بر عهده یکی از شیعیان ما قرضی داشته باشد آن را بگوید» تا این که دانه سیر و خردل را هم به صاحبان آنها برساند چه رسد به طلاها و نقره ها و املاک زیاد، که همه را ادا کند.^{۳۱}

این همه عطوفت را در که سراغ می توان گرفت؟ اولین کاری که در دوران روآوری امکانات اجتماعی انجام می دهد، برآوردن تمام وامهای و بدهکاریهای شیعیان از آغاز امامت امیرمومنان (ع) تا هنگامه ظهورش می باشد. یعنی یاد تمام انسانهایی که در اعصار و قرون دل در گرو حضرتش داشته اند و آرزوی دولت آل محمد (ص) را در دل پرورانده اند را فراموش نمی کند.

خلاصه او در فضیلتها و والاینها بی همتاست و امروز صدر کائنات است و انسانی کامل و برخوردار از همه ویژگیهای نیکان، و خلاصه «آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد.»

۲- نیروهای کارآزموده و بی آرایش:

یاران حضرت مهدی (ع) - همانانی که حکومت جهانی حضرتش را به دوش خواهند کشید بزرگوارانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر کم پیدا شده است. آنان افراد والاگری می باشد که از همه ویژگیهای نیکو بهره دارند.

۳۱- جلال، برنجیان، آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۴۰.

خداوند دل‌های آنها را انس و الفت می‌بخشد. آنها از رفتن کسی وحشت نمی‌کنند و از آمدن کسی ابراز مسرت نمی‌نمایند. تعداد آنها به شماره اصحاب بدر (یعنی ۳۱۳ نفر) است که در میان گذشتگان، آنها نظیر نداشتند و در آینده نیز نظیر نخواهند داشت و شماره آنها به تعداد اصحاب طالوت (یعنی ۳۱۳ نفر) است که از آب رودخانه گذشتند.

آنها قومی هستند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی‌نهند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی‌شمارند، هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید دیده‌هایشان را از برق شمشیر جلوه می‌دهند و به فرمان امامشان به پروردگار خود تقرب می‌جویند. آنها همگی شیرهای ژبانی هستند که از جنگلهای خود بیرون آمده‌اند. اگر اراده کنند که کوهها را از جای خود برکنند، بی‌تردید انجام می‌دهند. آنها به حقیقت توحید خدا راه یافته‌اند. برای آنها در دل شب از ترس خدا ناله‌هایی است چون ناله مادران داغ‌پسر دیده، شب‌زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روز هستند. گویی اخلاق و ادب آنها یکی است. دل‌های آنها بر محبت و شفقت و خیرخواهی گردآمده است.

امام باقر (ع) در وصف ایشان می‌فرماید:

چون این امر واقع شود برای هر انسان نیروی چهل مرد داده می‌شود و دل‌هایشان چون قطعه فولاد می‌گردد و اگر با آن دل، خود را به کوه بزند، (کوه

را) از جای می کند و شما در این زمان، قیامگر به قسط در روی زمین و اختیاردار خزائن و معادن آن خواهید بود.

خلاصه یاران مهدی (ع) انسانهای والاتباری هستند که نمونه آنها در میان گذشتگان بسیار اندک و در میان آیندگان نادر و کمیاب می باشد و اینان هستند که بار مسئولیت حکومت واحد جهانی را در سرتاسر گیتی بر دوش می کشند، و اینان اند منادیان جهانیان به سوی آیین اسلام و مذهب بر حق تشیع.

۳- واجدیت‌های غیبی:

برای پیشبرد اهداف معنوی و تحقق بخشی حکومت عدل الهی دست غیبی لازم است تمام انبیا در کنار همه واجدیت‌های انسانی، قدرتهای الهی نیز داشته اند و با برخورداری از آن قدرتها بر اهریمنان پیروز شده اند. چیرگی حضرت نوح بر کافران، غلبه حضرت ابراهیم بر آتش نمرودیان، نجات بنی اسرائیل به دست حضرت موسی از ستم فرعونیان و ... جملگی به مدد‌های غیبی و تواناییهای الهی آنان بوده است. امام مهدی (ع) نیز واجد تمام تواناییها و معجزات و بینات انبیا است. دامنه توانایی او به گستره همه تاریخ است. زیرا کار آن حضرت نیز به بزرگی همه تاریخ بشریت می باشد و آنچه را که انبیای الهی در دوران عمر خویش به برپایی آن موفق نشده اند، حضرتش یک تنه باید بپادارد. لذا تمامی

نیروهای غیبی در اختیار حضرتش می باشد. در این مورد تنها به دو روایت اشاره می کنیم:

امام صادق (ع) فرمودند:

هیچ معجزه ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست، مگر این که خداوند تبارک و تعالی مانند آن را به دست قائم (ع) ظاهر می گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند.^{۳۲}

امکانات و تواناییهای مالی:

یکی از مشکلات مهم هر نظام اجتماعی ناتوانیهای مالی آن است. اما خدای متعال گنجینه های پنهانی خویش را در اختیار حجت خود حضرت بقیه ا... الاعظم (ع) قرار می دهد و در دوران آن حکومت این امام (ع) مشکلی به نام مشکل اقتصادی مطرح نخواهد بود. ما در اینجا اجمالی را در این مورد بیان می کنیم و گسترده آن را در بخش تصویر جهان پس از ظهور خواهیم آورد. امیر مومنان علی (ع) در مورد آن زمان می فرمایند:

تمامی گنجینه ها (ی زمین) را بیرون می آورد.

خدای بزرگ تمامی تواناییهای پیامبران پیشین و قدرتهای پیامبر اسلام و امامان (ع) را به حضرت مهدی (عج) ارزانی می فرماید تا حضرتش به وسیله قدرت الهی حکومت واحد جهانی را در سرتاسر گیتی بگستراند.

عبدا... بن ابی یَعْفُور از امام باقر (ع) نقل می کند که حضرتش فرمودند:

۳۲- جلال، برنجیان، آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۴۵.

هیچ معجزه از معجزات پیامبران و جانشینان ایشان وجود ندارد مگر این که خداوند تبارک و تعالی بسان آنها را بر دست قائم ما جاری می فرماید تا این که حجت الهی بر دشمنان تمام شود.

امام صادق (ع) در ترسیم اوضاع مالی آن دوران در ضمن حدیثی می فرماید: چون قائم ما به پاخیزد ... زمین گنجهای خود را آشکار می سازد، به گونه ای که بر سطح آن دیده می شود. چون فردی از شما برای ادای زکات خود در صدد یافتن شخصی برمی آید، کسی را نمی یابد که آن (مال) را بپذیرد. مردم به فضل الهی از آنچه به ایشان روزی می فرماید، بی نیاز می شوند.

از این رو در آن دوران اصلا مشکلی به نام مشکل اقتصادی مطرح نخواهد بود که حکومت حضرتش را به دشواری اندازد.

عدالت اجتماعی و همگانی مردم با حضرتش

تمدن جهانی حضرت مهدی (ع) پس از «تجربه» و آزمودن تمامی راهها و روشها و مکتبها و ادیان بر سر کار خواهد آمد و برای مردمان ثابت می شود که این مکتبها و راهها هرگز نمی توانند سعادت مطلوب را برای بشر به ارمغان آورند و چیزی که به نام تمدن به وسیله آنها به وجود آمده است جز ستم و بیداد چیز دیگری نیست. این حقیقت حتی امروز هم بر مردم جهان آشکار شده است و بسیاری از انسانهای اندیشمند اعتراف به عدم توانایی بشریت بر نجات انسانها

نموده اند. انسان هر چه بیشتر به این تمدن پوچ نزدیک شود، احساس نیاز به مصلحی جهانی را در خود درک می کند. این احساس تنها میان جوامع شرقی ظاهر نشده، بلکه آثار آن در میان جوامع غربی نیز مشاهده می شود. آنان نیز دریافته اند که هر چه ملتها در میدان صنعت و تکنولوژی پیشرفت فزاینده ای می نمایند، در میدان نیاز به سعادت و آرامش خاطر و سلامت روح و روان عقب گرد می کنند. گرچه آنان اعتراف به وجود مصلحی غیبی نمی کنند، اما در درون آشفته خویش او را می جویند.

باری در حکومت آینده جهان زیر رهبری توانایی امام مهدی (ع) فطرت همه انسانها بیدار می شود و دلها به یاد خدا آرام می گیرد و آرامش واقعی بر همه قلبها سایه می افکند که خدای متعال در قرآن کریم فرموده است:

الا بذكر... تطمئن القلوب همانا به یاد خدا دلها آرام می گیرد.

همه اضطرابها از بشر رخت بر می بندد، نه مشکل اقتصادی مطرح است، نه ترس از بیدادگری بیدادگران، نه مشکل جا و مکان، نه مشکل بیماری و درماندگی و ... اینها همه یک ثبات اجتماعی را به همراه می آورد و عموم مردم که با مشکلات طاقت فرسای قبل از ظهور درگیر بوده اند، در مدینه فاضله اسلام آرام می گیرند

و چون تمامی بیدادگران و اخلاطگران و فسادانگیزان در زمین بر می افتند، دیگر جایی برای سختی آفرینی باقی نخواهد ماند.^{۳۳}

پیامبر اسلام (ص) فرمودند:

شما را به مهدی بشارت می دهم که در امت من برانگیخته می شود... زمین را از عدل و داد پر می کند چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد، ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می شوند.

از دریچه روایات دستی به سوی آن دوران می گشاییم و آینه دل را با بوی عطراگین آن دوران صفا می دهیم و غمهای نهفته خویش را با یاد شادیاها و شورهای آینده ای روشن تسکین می بخشیم و در نهایت دست بر دعا برمی داریم و فرا رسیدن هر چه زودتر آن روزگار را از خدای متعال درخواست می کنیم و به امید سربازی در آن عصر خود را در جهان امروز آماده پذیرش بار مسئولیت در آن دوران می کنیم و تلاش می نماییم که مصداق این سخن امام صادق (ع) قرار گیریم که فرمودند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ لِيَعْمَلَ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ.

هر کس شادان است که از یاران قائم (عج) باشد پس باید که چشم انتظار (قیام حضرتش) باشد و به پاکدامنی و نیکویی های اخلاقی عمل نماید.^{۳۴}

۳۳- جلال، برنجیان، آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۴۸.

۳۴- همان منبع.

امنیت فراگیر در مهدی (عج)

دولت مهدی (ع) دولت بهار حقیقت و مردمان است. این دولت امنیتی فراگیر و همه جانبه را به ارمغان می آورد. امنیت اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فردی. در دولت او توحید بر همه چیز و همه کس سایه می افکند و زمین و زمان به امنیت می رسد.

عدم امنیت در چهره های گوناگون آن، محصول و نتیجه شرک و بت پرستی است، و دولت مهدی، دولت زایل کننده شرک در همه چهره هایش است. با زوال شرک اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، امنیتی که انسانها پیوسته در آرزوی آن به سر برده اند، رخ می نماید. زمین و زمان به آرامش می رسند و بارور می شوند.

مهدی (ع) با قیام به عدالت و رفع موانع هدایت، راه عبودیت ... را به تمامه می گشاید و با تأمین نیازهای گوناگون انسان - اعم از مادی و معنوی - سیر کمال آدمیان را تدارک می کند، زیرا ابتدایی ترین نیازهای انسان، نیازهای مادی و معیشتی اوست و بلافاصله نیازهای دیگری که تأمین آن نیازها در حرکت کمالی انسان نقش اساسی دارد. امام صادق (ع) فرموده است:

ثَلَاثَةٌ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرَأَ إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْحَصَبُ.

سه چیز است که همه مردمان بدان محتاجند: امنیت، عدالت و فراوانی.^{۳۵}

تامین معیشت انسان، تدارک نخستین گامها در مسیر حرکت است که بدون آن و فارغ از اندیشه و تلاش در جهت عدالت اجتماعی، مقدمه لازم برای سیر او فراهم نمی شود، مردمان برای رشد و تعالی نیازمند «امنیت»، «عدالت» و «فراوانی» هستند و این معنا در دولت مهدی (ع) در حد آرمانی خود تحقق می یابد. در آن روز برکات زمین و آسمان بر مردمان گشوده می شود.

دولت مهدی (ع)، دولت ایمان مردمان و تقوای پیشگی است، پس وعده خدا در آن روز تحقق کامل یابد و نیکیها و نعمتها فراگیر شود، باران رحمت ببارد و زمین بی دریغ نعمتهای خود را در اختیار مردمان گذارد و کینه از دلها زدوده شود و امنیت در همه ابعادش ظهور یابد و به سبب عدالت همگان بی نیاز شوند که امام کاظم (ع) فرموده است: لَوْ عَدَلَ فِي النَّاسِ لَا سَتَغْنَوُا.

چنانچه در میان مردم عدالت جاری شود، بی نیاز گردند.^{۳۶}

۳۵- مصطفی، دلشاد تهرانی. دولت مهدی (عج) و سیرت مهدی (عج). همدان: ذکر. ۱۳۸۱. ص ۳۰.

۳۶- مصطفی، دلشاد تهرانی. دولت مهدی (عج) و سیرت مهدی (عج). همدان: ذکر. ۱۳۸۱. ص ۳۱.

امنیت اجتماعی

دوران قیام حضرت مهدی (ع) عصر بازگشت حق به صاحبان حقوق است، عصر نجات مظلوم از دست ظالم است، عصر رهایی بشر از دام تباهی است و عصر آزادی انسان از بند هرگونه پلیدی است.

پیامبر اسلام (ص) در فرازهایی از خطبه تاریخی خویش در غدیرخم پس از اعلام خلافت امیرمومنان (ع) فرمودند:

های ای گروه مردمان! نور خدای عز و جل با من است، سپس با علی است آنگاه در نسل اوست تا برسد به قائم مهدی که همه حقوق خدای را باز می ستاند و همه حقوق ما را باز پس می گیرد که خداوند عز و جل ما را بر تمام مجرمان، مخالفان، خیانت پیشگان، گنهکاران و ستمکاران حجت قرار داده است.

امام (ع) فرمودند:

راههای اصلی را توسعه می دهد، هر چیزی که راهها را سد کرده باشد خراب می کند، ناودانهایی را که به کوچه ها می ریزد از بین می برد، هیچ بدعتی نمی ماند، مگر این که از میان می برد و هیچ سنتی نمی ماند جز این که بر پا می دارد.

چنان که در این حدیث مشاهده می شود دامنه امنیت را تا بدان جا می رساند که حتی نباید آب ناودان خانه فردی در معابر عمومی موجب آزار مردم شود. در جای دیگر امام (ع) می فرماید:

در روی زمین خرابه ای باقی نمی ماند جز آن که (به دست مهدی (ع)) آباد می شود.

و باز در جای دیگر می فرمایند:

ساکنان آسمان و مردم روی زمین و پرندگان هوا و درندگان صحرا و ماهیان دریا همه و همه از او خشنود می شوند.^{۳۷}

تمامی عوامل فسادآفرین و ستمگرا را حضرتش از میان می برد، نه کسی بر زمینیان می توان ستم کند، نه فردی حق ظلم بر پرندگان را دارد، نه به شخصی اجازه آزار درندگان بیابان داده می شود و نه گروهی می توانند حیات موجودات دریایی را در معرض مخاطره قرار دهند. خلاصه جملگی کائنات به سرور می آیند، همگان شادان می شوند، مردمان خوش دل و خندان می گردند، حتی موجودات وحش نیز در سایه حکومت عدل گسترش به آرامش و آسایش دست می یابند. خوشا به حال آن مردمانی که آن دوران را درک کنند و در آن زمان در کنار عصاره هستی حضرت مهدی (ع) عدالت اجتماعی اسلام را ببیند خلاصه راهها امن می گردد و دزدی و تباهی از میان می رود. اساساً آن امنیت موعود و آن آسایش معهود و آن آرامش مطلوب در دوران حکومت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت.^{۳۸}

۳۷- جلال، برنجیان، آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۶۸-۶۷.

۳۸- همان منبع ص ۶۹.

امنیت فردی

گشایشهایی اقتصادی در سایه تمدن امام مهدی (ع)

امروزه بر جهان یک نظام طبقاتی حکومت می کند و جوامع به دو قطب غنی و فقیر تقسیم شده اند. کشورهای ثروتمند نمی دانند چگونه و در کجا ثروت خویش را خرج کنند، در حالی که جوامع فقیر مانده اند که چگونه آب و نانی بدست آرند و علیرغم پیشرفتهای علمی و صنعتی که بشریت به دست آورده است، اما مشکل گرسنگی هنوز به سختی گلوی مردم بسیاری از جوامع را می فشارد و هر روزه بر تعداد قربانیان گرسنگی در جهان افزوده می شود و حتی این تقسیم بندی دو قطبی تنها میان جوامع مختلف نیست، بلکه در داخل یک جامعه نیز گروهی نمی دانند که مازاد درآمد خویش را در کجا مصرف کنند در حالی که عده ای به نان خشکهای کنار ریخته آنان چشم دوخته اند. اما در دوران حکومت مهدی (ع) این کمبودها از میان می رود.

هر گاه قائم ما اهل بیت قیام کند مال را به مساوات تقسیم می کند و عدالت را میان مردمان برقرار خواهد کرد.

و نیز امام باقر (ع) فرمودند:

مهدی اموال را میان مردم چنان به مساوات تقسیم می کند که دیگر محتاجی دیده نمی شود تا به او زکات بدهند.

شکوفایی اقتصادی در دوران حکومت امام مهدی (ع) به گونه ای است که در گذشته تاریخ بی سابقه بوده است. گویی تمام قوای زمینی و آسمانی دست بر دست هم داده اند تا تمامی ذخایر هستی را آشکار کنند و قدرت لایزال الهی را در گستردگی نعمت و نقشش بر همگان بنمایاند، تا بشر به زبان فطرت در بارگاه قدس او اعتراف کند که ملک هستی از آن اوست و هر چه فرمان دهد وقوعش قطعی است.

و خداوند چنین مقدر داشته است که آن بهشت زمینی را در دوران مسرت آفرین آخرین خلیفه اش حضرت مهدی (ع) آشکار فرماید تا بوی گل و سنبل تمام فضا را عطرآگین کند و درختان سر بر فلک کشیده سایه خویش را بر زمین بگسترانند و آهوان و پرندگان در بشیه زارانش به جست و خیز و پرواز پردازنده تا همگان توان خلیفه الهی را در زمین مشاهده کنند. در منابع عامه این موضوع بسیار طرح شده است و علمای عامه نیز روایات فراوانی از پیامبر (ص) در این موضوع نقل کرده اند که به بخشی از آنها اشاره می کنیم:

در عهد مهدی (ع) خداوند بی نیازی را در دل همه امت قرار می دهد.

روایت از عامه و خاصه در این موضوع فراوان است و ما تنها به همین چند روایت بسنده می کنیم و در دل آرزوی برپایی آن روز موعود و صبح امید و فجر پیروزی را می پرورانیم و از خدای متعال فرارسیدن هر چه زودتر آن را

درخواست می کنیم. اقتصاد زمان اقتدار حضرت مهدی (ع) به گونه ای است که مومنان در روابط تجاری خود از یکدیگر سود نمی گیرند نیاز خویش را بدون اذن از جیب برادر ایمانی خویش برمی دارد و این کار اصلاً موجب ناراحتی دیگری نمی شود. اساساً معیارها و وضعیتهای دیگری بر جهان حاکم خواهد شد، که ما تنها ترسیمی بسیار کم رنگ از آن زمان را در میان یاران دلباخته پیامبر اکرم (ص) در اول پیشرفت اسلام دیده ایم که چگونه نسبت به یکدیگر ایثارها و گذشتها را اعمال می کردند و مساوات را میان خویش برقرار می نمودند.

امنیت جهانی

قیام حضرت مهدی (ع) یعنی اتمام حیات همه فرعونان و فاسدان تاریخ، قیام بقیه
ا... الاعظم (ع) یعنی پایان زندگی همه بیدادگران و ستم پیشه گان جهان و قیام
حجت بن الحسن (ع) یعنی برچیده شدن تمام کاخهای بیداد در سراسر گیتی.

امام (ع) فرمودند:

بر هر ستمگر و ستمگرزاده ای پیروز می شود و آن قدر عدالت در جهان آشکار
می سازد که مردگانشان آرزوی زندگی - مجدد در دنیا را می نمایند. حضرت
مهدی (ع) امیرانش را به تمام کشورها می فرستند تا عدالت را پیاده کنند.^{۳۹}

امیر مومنان (ع) فرمودند:

در آخرالزمان و شدت روزگار و جهالت مردمان، خداوند مردی را برمی انگیزد
که او را با فرشتگانش تایید می کند و یارانش را محافظت می نماید و او را با
آیات و معجزات یاری می کند و بر سرتاسر زمین مسلط می گرداند تا همگان در
برابر او خواه ناخواه تسلیم شوند. زمین را با قسط و عدالت و نور و برهان پر
می کند. طول و عرض جهان به تسلط او در می آید. در روی زمین کافری نمی
ماند جز این که ایمان می آورد و شخص ناشایستی نمی ماند، جز اینکه به صلاح
و تقوی می گراید.^{۴۰}

۳۹- جلال، برنجیان، آینده جهان. تهران: مهارت. ۱۳۷۶. ص ۵۰.

۴۰- همان منبع ص ۵۱

سیرت فردی در مهدی (عج)

زمامداری که با قدرت تمام به عدالت بر شرق و غرب حاکم می راند و برکات زمین و آسمان بر دولت او گشوده می شود و زمین گنجینه های خود را برای او خارج ساخته کلیدهایش را تسلیم وی می کند، در نهایت زهد و ساده زیستی زندگی می کند و از سیرت ساده زیستی که پدرانش بدان پایبند بودند، خارج نمیشود. در خبر «ابوبصیر» از امام صادق (ع) این گونه آمده است:

فَوَا... مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ.

به خدا سوگند که لباس مهدی جز پوشاکی درشت و خوراک او جز خوراکی سخت و بی خورش چیزی دیگر نخواهد بود.

همین خبر از طرق دیگر نیز با مختصر اختلاف روایت شده است و گویای آن است که علی رغم رفاه همگانی و بی نیازی همه مردمان، مهدی (ع) به سیرت ساده زیستی عمل می کند و از اصل زهد دور نمی شود. امیر مومنان (ع) درباره جایگاه زهد در دین و دینداری فرموده است:

الزهد اصل الدین. زهد اصل دین است.

الزهد اساس الیقین. زهد اساس دین است.

با وجود دلبستگی به دنیا، اصلاحی صورت نمی‌گیرد و همه مصلحان الهی، زاهد بوده و از دلبستگی به دنیا آزاد بوده‌اند. چنانکه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود:

ما اتخذ... نبياً الا زاهداً.

خداوند هیچ پیامبری را برنگزید مگر آنکه زاهد بود.

آن امام حق در رفتار خود از هرگونه تکلفی مبری است که از رسول خدا (ص) روایت شده است.

نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَا مَنَاءٍ وَ الْأَتْقِيَاءُ بَرَاءٌ مِنَ التَّكْلِيفِ.^{۴۱}

سیرت فرهنگی در مهدی (عج)

تحقق این دولت و ظهور چنین مناسباتی، نتیجه و محصول تحولی اساسی در درون انسانهاست. با ظهور دولت عدالت و رفع همه موانع تربیت، خردها به کمال می‌رسد و اخلاق نیکو کامل می‌شود. اصلاح روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جز در پرتو تربیتی الهی ممکن نمی‌شود، تربیتی که اساس آن بر رشد و اکمال خردها و فرزاندگی مردمان قرار گرفته باشد. بدین ترتیب در دولت مهدی (ع)، سیرت تربیتی آن حضرت چنین است که با تایید الهی، خردهای مردمان را به کمال رساند و فرزاندگی را در آنان تمام نماید، و در نتیجه با این انقلاب فرهنگی،

۴۱- مصطفی، دلشاد تهرانی. دولت مهدی (عج) و سیرت مهدی (عج). همدان: ذکر. ۱۳۸۱. ص ص ۵۴-۵۶.

آرمانهای اصلاحی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق یابد و ریشه دار گردد و پا برجا نماند. انقلاب فرهنگی در دولت مهدی (ع) چنان عمیق و فراگیر است که همه مردم علم و حکمت می آموزند همگان با کتاب خدا و سنت پیامبر بر اساس فهمی عمیق آشنا می شوند تا جایی که زنان در خانه ها بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کنند.

بی گمان هیچ انقلابی بدون یک تحول فکری و فرهنگی اساسی، راه به جایی نخواهد برد و انقلابی عظیم چون انقلاب مهدی (ع) و تأسیس دولتی با آن ویژگیها که یاد شد، نیازمند انقلابی بزرگ در فرهنگ و آموزش و تربیت است. نظام الهی بر خرد و بصیرت و دانش استوار است و سلامت جوامع و آبادی سرزمینها، در معنای تام آن بر معرفت و علم تام استوار است. از این رو در عصر حاکمیت مهدی (ع) تحولی شگفت در علم و دانش رخ می نماید و درهای همه معرفتها و دانشها به روی مردمان گشوده می شود.^{۴۲}

سیرت اقتصادی در مهدی (عج)

بی نیازی مردمان به سبب تحقق عدالت تام و تمام و فراوانی و عمران و آبادی در اوج کمال و تقسیم اموال به مساوات، از مشخصات سیرت اقتصادی مهدی (ع) است. آن حضرت تمام مناسبات ناسالم اقتصادی را زیر پای می گذارد و محو و

۴۲- مصطفی، دلشاد تهرانی. دولت مهدی (عج) و سیرت مهدی (عج). همدان: ذکر. ۱۳۸۱. ص ص ۴۴-۴۳.

نابود می کند. زمینهایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت امام (ع) است، در جایگاه خود قرار می گیرد. استعمار و استعمار پایان می پذیرد. همگان به رفاه و آسایش می رسند. مهدی (ع) اموال را به وفور در اختیار مردمان می گذارد.

مهدی (ع) همگان را بی نیاز می کند که در دولت او زمین همه استعدادهای خود را بروز می دهد و داراییها انبوه می شود. آن حضرت اموال را به مساوات میان مردم تقسیم می کند تا همگان از دغدغه نیازمندی آزاد شوند.^{۴۳}

حضرت مهدی (ع) مال را به مساوات تقسیم می کند و قلبهای امت محمد را لبریز از بی نیازی خواهد کرد. در نتیجه تحقق سیرت اقتصادی مهدی (ع) نیازمندی باقی نمی ماند تا به او زکات داده شود. بی نیازی اقتصادی در دولت مهدی (ع) تا بدانجاست که دلهای امت محمد (ص) لبریز از بی نیازی می شود و حرص به داشتن و گنجینه کردن و انبوه ساختن زدوده می شود و چون مهدی (ع) ندا دهد که هر کس مالی می خواهد بیاید و برگردد جز یک نفر پیدا نشود و او نیز پشیمان گردد و مال برگرفته را باز گرداند.

مهدی (ع) بی دریغ و بی شمارش بخشش می کند. اموال را بدون آنکه شمارش نماید تقسیم می کند. بدین ترتیب مردمان با همه وجود و از صمیم قلب از داشتن

۴۳- همان منبع، ص ۳۷-۳۶.

و گنجینه کردن و انبوه سازی، احساس بی نیازی می کنند همان گونه که پیامبر اکرم (ص) نوید آن را داده است.

يَمَلَأُ... قُلُوبَ أُمَّه مُحَمَّدٍ (ص) غَنَى وَ يَسَعَهُمْ عَدْلُهُ.

دل‌های پیروان محمد (ص) را لبریز از بی نیازی می کند و عدالتش همه را فرا گیرد.

إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ الْقَى... الْغَنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ.

زمانی که مهدی قیام کند، خداوند در قلب بندگان بی نیازی افکند.^{۴۴}

در نظام اقتصادی که مهدی (ع) برپا می سازد، روابط اقتصادی چنان است که در معاملات سودی گرفته نمی شود. دولت مهدی (ع) بر اساس چنین روابط و مناسبات اقتصادی، شرق و غرب جهان را فرا می گیرد و همه جا را عمران و آباد می سازد. «محمد بن سلم» گوید از امام باقر (ع) شنیدم که می فرمود:

يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَرَ.

دولت مهدی شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر اینکه آن را آباد خواهد ساخت.

ظهور برکات و مناسبات عادلانه در مهدی (ع) چنان است که حتی مردگان آرزوی بازگشت به دنیای و زندگی در دولت کریمه او در سایه سیرت او را خواهند

۴۴- مصطفی، دلشاد تهرانی. دولت مهدی (عج) و سیرت مهدی (عج). همدان: ذکر. ۱۳۸۱. ص ص ۳۹-۳۸.

داشت. سیرت مهدی (ع) مطلوب دلها و دولت مهدی (ع) حد نهایی رضایت انسانهاست. نه تنها انسانها که زمین و آسمان و همه موجودات از دولت و سیرت او رضایتمندند.^{۴۵}

سیرت اجتماعی در مهدی (ع)

در پرتو سیرت فرهنگی مهدی (ع) روابط اجتماعی سامانی دیگر می یابد. یکرنگی و یگانگی میان مردمان جاری می شود و دوستی و رحمت قلبها را پر می سازد و مساوات و مواسات اجتماعی جلوه می کند. کسی به کسی ستم روا نمی دارد و یاری و دستگیری یکدیگر واجبی همگانی می شود. در آن دوران حرص و بخل در روابط اجتماعی جایی نخواهد داشت و یکرنگی و یگانگی چنان بر رفتار اجتماعی حاکم شود که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب برادرش بردارد، نه این شرمنده باشد و نه آن ناراحت. چنین رابطه و پیوندی میان برادران ایمانی، از ویژگیهای سیرت اجتماعی آن دوران است «برید عجلی» گوید به امام باقر (ع) گفته شد که در این زمان شیعیان و پیروان شما در کوفه جمعیتی کثیر محسوب می شوند و چنانچه ایشان را فرمان دهی (تا قیام کنند و به مبارزه برخیزید) اطاعت کنند و پیروی نمایند. امام (ع) فرمودند: آیا روابط اجتماعی آنان بدین گونه است که کسی از ایشان (در وقت نیاز) سر جیب برادرش رود و نیاز خود

۴۵- همان منبع ص ص ۴۷-۴۲.

برگیرد؟ گفتند: خیر، چنین نیست. امام (ع) فرمود: پس آنان به خون خود بخیلتر خواهند بود. البته رسیدن به این مرز از روابط اجتماعی، خود محصول رشد عقلی و تکامل روحی آدمی است. اگر اهل ایمان به رشد و کمال برسند جز این نخواهند بود. یعنی عقلشان کامل نشده است و هنوز به آن مرتبه از کمال نرسیده اند که چنین تکلیفی را حمل کنند، ولی در دولت مهدی (ع) این مرتبه از کمال انسانی و اجتماعی تحقق می یابد اخلاق اجتماعی در آن زمان بر مبنای سلامت نفسها و پاکی دلها ظهور می یابد. امانتها به درستی ادا می شود. مردم به عبادتهای اجتماعی - از سرایمان و تقوا - روی می آورند. حقوق اجتماعی در همه امور رعایت می شود و هیچ گونه ستم اجتماعی بر کسی روا نمی شود. حدیث امام صادق (ع) گویای این حقیقت در سیرت اجتماعی مهدی (ع) است: نخستین ظهور عدالت قائم آن است که سخنگویان او در مکه فریاد می کنند که هر کس نماز واجب خود را در کنار حجرالاسود و محل طواف خوانده است و می خواهد نافله بخواند، به کناری رود تا حق دیگران پایمال نشود و آنان که می خواهند نماز واجب بخوانند، بیایند و بخوانند.^{۴۶}

سیرت مدیریتی در مهدی (عج)

۴۶- مصطفی، دلشاد تهرانی. دولت مهدی (عج) و سیرت مهدی (عج). همدان: ذکر. ۱۳۸۱. ص ۵۰.

بدین ترتیب با ظهور دولت مبارک مهدی (ع) سیرت مدیریتی او بر اساس عدالت محض جلوه می کند. آن حضرت در اداره امور از نظر اقتصادی گشاده دست است و اموال را برای آسایش و رفاه مردمان با سخاوت به کار می گیرد و نسبت به محرومیت کشیدگان و مسکینان، مهربان و دل رحم است و برای آنکه ذره ای ستم از جانب دولت و کارگزاران نظام او بر کسی نرود و حقی ضایع نشود، نسبت به مسئولان و کارگزاران خود سختگیر است. دولت او دولت عدالت محض است، پس جای هیچگونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد و سختگیری آن حضرت نسبت به مسئولان و کارگزارانش بدین خاطر است.

مهدی (ع) بر اساس کتاب خدا به عدالت مدیریت می کند و هواپرستی را به خداپرستی سوق می دهد و همه افکار و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد و نشان می دهد که حکومت عدل یعنی چه. او برای حفظ این اساس، مسئولان و کارگزاران ستمگر را با دقت مواخذه می نماید و هر که را پا از سیرت عدالت بیرون نهاده است به سختی مجازات می نماید. مهدی (ع) در اداره امور برای حفظ عدالت و حقوق مردمان و حیثیت دین، به روشی نو و مناسب با عصر خود و تحولاتی که در طول تاریخ رخ داده است تا مردمان به آن نقطه رسیده اند، عمل می کند.

در روش زمامداری مهدی (ع) میان او و مردمش هیچ فاصله و حجابی نیست، به گونه ای که آن حضرت با آنان سخن می گوید و ایشان نیز صدای او را همان جا که هست می شنوند و به او نگاه می کنند.

تحقق عدالت اجتماعی و عدالت آرمان ها

تحقق عدالت اجتماعی یکی از آرمان های محوری انقلاب اسلامی است و قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اهتمام ویژه ای به این موضوع داشته و از جمله در اصل سوم دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است که برای رفع تبعیضات ناروا و اتخاذ امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی و پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه همه امکانات خود را به کار برد.

۱- امامت و حاکمیت عدالت

عدالت مهم ترین نیاز بشر و بزرگ ترین گمشده او است و راه تحقق عدالت آن است که منشأ ظلم و ستم، یعنی هوای نفس از قلمرو حاکم و قانون دور شود «قانون هوس آلود» ظلم به بار می آورد. چه هوس فردی باشد و چه هوس جمعی حاکم هوشیار ستم می کند چه با استبداد به حکومت رسیده باشد و چه با انتخاب مردم، راه رسیدن به عدالت به نفس همراه با قانون به دور از هوس، و آرایش آن با عظمت است. عصمت قدرت و قانون تضمین کننده عدالت است و این چیزی است که در نظریه امامت وجود دارد. نظریه امامت، در حقیقت هوای نفس را از حوزه قدرت و قانون دور ساخته است و لذا توان اداره عادلانه جهان را دارد.

۲- دموکراسی، در چالش با امامت

امروز دموکراسی ایده ای است فراگیر که مبنای آن این است: همه چیز باید به خواست و انتخاب بشر باشد. سوال این است که اگر دموکراسی و آزادی مبنای بشر باشد و به عنوان اصل اول در کنش های وی پذیرفته شود آیا می توان به امامت گردن نهد و اگر امام حاکم نشود آیا عدالت فراگیر می شود؟

برای یافتن پاسخ به این پرسش، ایده دموکراسی را با نظریه امامت می سنجیم و امامت را بر دموکراسی عرضه می کنیم تا ببینیم دموکراسی در برابر امامت چه موضعی انتخاب می کند. در امامت مجموعه ای از اصول ثابت وجود دارد که هیچ گاه تغییر نمی کنند. یکی از این اصول مشخص بودن حاکم یا زمامدار است در نظریه امامت، تشخیص امام با انتخاب مردم به امامت نمی رسد بلکه مردم امامت او را می پذیرند، به عبارت دیگر، مردم با انتخاب خود سمت «امامت» را به وی اعطا نمی کنند. بلکه از اظهار نظر مردم، او امام است چه مردم او را برگزینند و چه برنگزینند. اگر بنا باشد نظریه امامت حاکمیت یابد، امام و زمامدار آن مشخص و معین است و نظر مردم اگر بر خلاف آن باشد تأثیری ندارد.

اصل دیگر ثابت بودن قانون است در نظریه امامت، قانون بر اساس خواست مردم تنظیم نمی شود بلکه قانون را خداوند متعال تنظیم می کند و مردم باید آن را بپذیرند چه مطابق میل آنان باشد و چه نباشد.

حال اگر مبنا و اصل برای بشر این باشد که همه چیز به انتخاب خود او صورت گیرد و تنظیم شود آیا بشر می تواند به امامت گردن نهد؟ و اگر امامت حاکم نشود، آیا عدالت فراگیر می شود؟ بدون شک بشر دموکراتیزه شده، نمی تواند نظام ولایت را بپذیرد و به آن گردن نهد.

۳- راه عدالت

پیش از این گفتیم که آن چه را مردم برگزینند، حاکم می شود و گفتیم تا مردم بر مدار دموکراسی و آزادی حرکت کنند امامت حاکم نمی شود و تا امامت حاکم نشود، عدالت به ارمغان نمی آید. بنابراین راه عدالت آن است که بشر محور خود را از دموکراسی و آزادی به عدالت منتقل سازد و همان گونه که بشر روزگاری برای فرار از ستم، از سلطنت به دموکراسی منتقل شد. گام بعدی آن است که برای رسیدن به عدالت باید از محوریت دموکراسی و آزادی به محوریت عدالت منتقل شود.

عدالت مهم ترین نیاز بشر و بزرگترین گمشده او است و راه تحقق عدالت آن است که منشأ ظلم و ستم، یعنی هوای نفس از قلمرو حاکم و قانون دور شود «قانون هوس آلود» ظلم به بار می آورد چه هوس فردی باشد و چه هوس جمعی.

۴- ظهور عدالت

اگر آن چه گفتیم رخ دهد و گفتمان دموکراسی به گفتمان عدالت تبدیل شود. زمان ظهور مرد عدالت نیز فرا خواهد رسید. این یک اصل است که میان دولت و ملت سنخیت وجود دارد. دولتی می تواند شکل بگیرد و پایدار بماند که با آرمان ها و خواسته های ملت هماهنگ باشد در صورت ناهماهنگی پدیداری و پایداری دولت را با مشکل مواجه می شود و بلکه امکان ندارد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید:

كما تكونون التی علیکم

هرگونه که باشید، حاکمی متناسب با آن بر شما حکومت خواهد کرد. بر همین اساس می توان گفت که گفتمان بشر از دموکراسی به عدالت تغییر نیابد، مرد عدالت ظهور نخواهد کرد و دولت عدالت شکل نخواهد گرفت. امام عدالت مأموم عدالت مدار می خواهد و دولت عدالت - ملت عدالت خواه در همین رابطه حدیث تأمل برانگیزی از امام باقر (ع) نقل شده است. حمزان یکی از یاران امام باقر (ع) از آن حضرت می پرسد. ای کاش می فرمودند قیام حضرت چه زمانی اتفاق خواهد افتاد تا دل ما شاد گردد. امام باقر (ع) در قالب یک حکایت پرمعنا، زمان را به سه دوره تقسیم می کنند:

«زمان گرگ» و «زمان عیش» و «زمان ترازو» و بدین سان حمزان را متوجه این نکته می کنند که تا زمان ترازو فرا نرسد، زمان عدالت گسترگی و حاکمیت امام

عدالت گستر نیز فرا نخواهد رسید. در این حدیث شریف، گرگ نماد ظلم و غضب، اسب و میش نماد عدالت خواهی منهای عمل و ترازو نماد عدالت خواهی کامل و صادقانه است، امام باقر (ع) به خوبی روشن می سازند که اگر مردم گرگ صفت، باشند، پدیده غضب خلافت رخ خواهد داد و اگر میش صفت باشند، هر چند تمایل به بازگرداندن خلافت غضب شده دارند. اما عملاً چنین اتفاقی نمی افتد و بالاخره این که اگر مردم، ترازو صفت و عدالت مدار باشند، حق غضب شده امامت را به صاحب اصلی آن باز می گردانند. آری در زمان ترازو است که مردم پذیرای عدالت خواهند بود و آزادانه به سوی امام عدالت حرکت می کنند و حاکمیت وی را به جان می خردند و درست به همین دلیل است که می گوئیم: «گفتمان عدالت، پیش شرط ظهور است.»

آخرین دولت

در اندیشه مهدوی مباحث متعدد و متفاوتی مطرح می شود، یکی از مهم ترین آن ها، مسأله «دولت مهدوی» است که دامنه گسترده ای هم دارد و به همین جهت تعبیرهای مختلفی از این دولت در ادبیات دینی (به خصوص ادبیات شیعه) شده است که هر کدام از تعبیرها به جنبه ای از جنبه های متعدد حکومت مهدویت اشاره دارد. برخی از تعبیرهایی که در روایات در مورد دولت و حکومت امام مهدی (ع) آمده به شرح زیر است:

- ۱- «دولت جهانی» که اشاره به قلمرو حکومت دارد.
- ۲- «دولت عدالت» که اشاره به بسط عدالت در زمان حاکمیت این دولت دارد.
- ۳- «دولت کریمه» که اشاره به محوریت کرامت انسان در این دولت دارد و به طرز مشخص بیان شده که کرامت مداری یعنی عزت اسلام و مسلمین از یک سو و ذلت نفاق منافقان از سوی دیگر.
- ۴- «دولت صالحان» که اشاره به صالح بودن زمامداران آن است.
- ۵- «دولت حق» که اشاره به حق مداری این دولت و شیعه آن یعنی بسط حق و رفع باطل است.
- ۶- «دولت مستضعفان» که اشاره به حاکمیت یافتن کسانی دارد که از سوی صاحبان زر و زور و پر به استضعاف کشیده شده اند.

۷- «دولت امنیت» که اشاره به امنیت فراگیر در آن دولت است، امنیتی که هم اجتماعی است و هم ایمنی.

۸- «دولت رفاه» که اشاره به فراگیری رفاه در پهنه زمین است و ...

یکی دیگر از تعبیرهایی که از دولت مهدوی شده ولی کمتر مورد توجه قرار گرفته، تعبیر «آخرین دولت» است در این نوشتار برآنیم، تا در این باره سخن بگوییم، در این بحث سه مسأله مطرح خواهد شد، یکی این که منشأ این تعبیر چیست؟ دیگری این که معنی آخرین دولت چیست؟ و سوم این که علت آخر بودن دولت مهدوی کدام است؟

۱- منشأ تعبیر آخرین دولت:

این تعبیر در کلمات نورانی معصومان (ع) وجود دارد. امام باقر (ع) می فرمایند:

دولت آخر الدول

دولت ما آخرین دولت است.

سپس در پایان کلام خویش می فرمایند:

و هو قول ... عز و جل «و العاقبه للمتقين»

و این همان سخن خداوند است که می فرماید: عاقبت از آن پرهیزکاران است.

همچنین روایت شده است که امام صادق (ع) در بسیاری از اوقات این شعر را

زمزمه می کردند که:

لکل اناس دوله ترقبونها و دولتنا فی آخر الدهر تطهر.

هر مردمی را دولتی است که منتظر آن هستند و دولت ما در پایان روزگار آشکار می شود. در پاره ای از روایات این حقیقت یا عبارت عاقبت از آن ما خواهد بود آمده است و آیه شریفه «و العاقبه للمتقین» به همین حقیقت تفسیر شده است، این مسأله را در کلام امام باقر (ع) که در آغاز سخن نقل کردیم به وضوح می بینیم. امام حسین (ع) نیز این حقیقت را یاد کرده اند و امام علی (ع) آن را تایید نموده اند ابن سیرین می گوید:

از چند نفر از بزرگان بصره شنیدم که گفتند: علی بن ابی طالب (ع) پس از جنگ جمل ناخوش گردید و نتوانست در نماز جمعه شرکت کند. لذا به فرزندش حسین (ع) فرمود: «تو برو و نماز جمعه را با مردم بخوان.» حسین (ع) به وجد آمد و بر فراز منبر رفت. او ابتدا حمد و ثنای الهی را به جای آورد. شهادتین گفت بر رسول خدا درود و صلوات فرستاد و فرمود: «ای مردم! خداوند، نبوت را در میان ما قرار داد و ما را بر خلق خویش برگزید و مقدم داشت و کتاب و وحی خود را بر ما فرو فرستاد به خدا قسم که هر کس چیزی از حق ما کم گذارد خداوند در دنیا و آخرت از حق او بکاهد و هیچ دولتی قبل از ما نباشد مگر این که ما قبل از آن باشد.»

و آن گاه این آیه را خواند که «و لتعلمن تباه بعد حین و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید داشت.»

در این کلام، امام حسین (ع) با بیان این جمله که عاقبت از آن ما است، به این حقیقت توجه می دهند که دولت اهل بیت، دولت آینده است. جالب این که امام صادق (ع) سخنان فرزندشان را می شنیدند پس از اتمام مراسم نماز و بازگشت امام حسین (ع)، امام علی (ع) به او نگاهی کرد و بی اختیار، اشک هایش بر گونه هایش جاری شد و از فرزندش خواست که نزدیک آید و میان چشم هایش را بوسید و این آیه را خواند که: ذریه بعضها من بعض و ا... سمیع علیم.

فرزندانی بودند، برخی از نسل برخی دیگر پدید آمده، و خدا شنوا و داناست.

این برخورد امام علی (ع) حکایت از تایید سخن امام حسین (ع) دارد. همچنین نقل شده که در خطبه دیگری نیز امام حسین (ع) همین جملات را درباره دولت اهل بیت بیان کردند.

از امام باقر (ع) نیز نقل شده که ایشان دولت های دیگر را در «دولت حال» نامیده اند و دولت اهل بیت را «دولت آینده» ابوبکر خضر می گوید: وقتی امام باقر (ع) را برد هشام در شام بردند، هشام اهل بیت (ع) را به تفرقه افکنی متهم ساخت و بدین وسیله امام را بسیار توبیخ کرد. به دنبال وی حاضران مجلس نیز به

نکوهش امام (ع) پرداختند وقتی آنان خاموش شدند، امام باقر (ع) برخاست و فرمود:

ایها الناس، این تذهبون؟ و این بکم؟ اینا هدی... او لکم...

این مردم به کجا می روند؟ و شما را به کجا می برند؟ به وسیله ما بود که خداوند سبحان به پیشینیان عدالت کرد و هدف آیندگان شما نیز به وسیله ما انجام می شود.

از آن چه تاکنون بررسی کردیم به خوبی روشن می شود اهل بیت (ع) از دولت آن حضرت مهدی (ع) به عنوان «آخرین دولت» یاد کرده اند، اکنون دو سوال مطرح است: نخست آخرین دولت بودن به چه معنا است؟ و دوم، علت آخرین بودن دولت حضرت مهدی (ع) چیست؟ پس با دو پرسش روبرو هستیم، یکی تفسیر آخرین دولت و دیگری تحلیل آخرین بودن.

۲- معنای آخرین دولت

در پرسش اول می خواهیم بدانیم منظور از صفت «آخرین» بیان مفهوم زمانی است با فکری و اندیشه ای، در برخی روایات آمده است که دولت اهل بیت (ع) پس از حاکمیت همه اندیشه های بشری تحقق می یابد و لذا این معنا به ذهن می رسد که شاید صفت «آخرین» برای بیان این واقعیت است که دولت امام مهدی (ع) و یا به تعبیر دیگر نظریه ولایت و امامت آخرین و مترقی ترین اندیشه در باب

حکومت است. البته امکان دارد که پس از ارائه و اجرای این نظریه بار دیگر حکومت به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد.

در مراجعه به روایات و با استفاده از آیات قرآن، می توان فهمید که مراد از هر دو مفهوم این است که: وقتی می گوئیم حکومت حضرت مهدی (ع) آخرین دولت است، هم به این معنی است که آخرین و مترقی ترین اندیشه در باب حکومت و زمامداری است و هم به این معنی است که پس از آن دولت دیگری حاکمیت نمی یابد و تا پایان تاریخ ادامه می یابد امام باقر (ع) به دنبال این که می فرمایند: «دولت ما آخرین دولت است.»

چنین ادامه می دهند:

و لم بنی اهل بیت لهم دوله الا ملکوا قبلنا.

هیچ خاندان دارای حکومتی باقی نمی ماند، مگر این که قبل از ما به حکومت می رسند.

امام صادق (ع) نیز در همین رابطه می فرمایند:

ما یكون هذا الا مر حتى لا یبقی صنف من الناس الا و قد و لوا علی الناس ... ثم یقوم القائم بالحق و العدل.

(این امر حکومت اهل بیت) فرا برسد تا اینکه همه گروه ها بر مردم حکومت کرده باشند ... آن گاه قائم (ع) قیام می کند و حق و عدالت را برپا می دارد.

کلام امام صادق (ع) وضوح بیشتری دارد. آن چه از این دو حدیث بر می آید این است که همه گروه ها و صاحب نظرانی که درباره حکومت، ایده و نظریه ای دارند، به حکومت می رسد و پس از همه آن ها نظریه امامت، حاکمیت می یابد. این بدین معنی است که اولاً هر نظریه ای که به اندیشه بشر برسد، حاکمیت می یابد و ثانياً روزگاری فرا می رسد که فکر بشر سخنی برای گفتن ندارد. آن گاه نظریه امامت حاکمیت می یابد. بنابراین، آخرین دولت یعنی آخرین نظریه ای که حکومتی بر مبنای آن تشکیل می شود و پس از آن نظریه دیگری وجود نخواهد داشت این سخن، صفت «آخرین» را تفسیر می کند اما این امکان را نیز نفی نمی کند که شاید پس از این دولت، حکومت دیگری بر مبنای نظریه های قبلی شکل نگیرد.

از برخی دیگر از روایات مفهوم زمانی را نیز می توان فهمید و بر این اساس دولت اهل هم از نظر اندیشه آخرین است و هم از نظر زمانی یعنی به پیش از آن اندیشه جدیدتر و صرفی تری وجود خواهد داشت و به پس از آن حکومت دیگری

مشکل خواهد گرفت امام باقر (ع) پس از آن که در دربار هشام فرمودند:

«دولت شما دولت حال است و دولت ما دولت آینده» «و العاقبه للمتقين».

و بعد از حکومت ما حکومتی نباشد، زیرا ما همان کسانی هستیم که عاقبت از آنان است.

خداوند می فرماید : سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.

در این حدیث دو نکته قابل توجه وجود دارد یکی تصریح به این که پس از حکومت اهل بیت حکومت دیگری وجود نخواهد داشت و دیگری مستند نمودن این ادعا به آیه شریفه «والعافیه للمتقین» «از این استناد تفسیر آیه شریفه نیز به دست می آید و با تکیه بر آن گذشته از حدیث، آیه نیز می تواند آخر بودن زمانی را گواهی دهد.

جالب این که این جمله از قرآن کریم فراز پایانی آیه ای است که در آغاز آن چنین آمده است:

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

زمین از آن خداست و به هر کس از بندگانش که بخواهد آن را به میراث می دهد. همانگونه که می دانید این فراز از آیه نیز مربوط به حکومت حضرت مهدی (عج) است و لذا تاییدی است بر این که «فراز» و «العافیه للمتقین» هم مربوط به حکومت حضرت مهدی (عج) است و با تفسیر معصوم (ع) مفهوم آن اینست که پس از دولت مهدوی دولت دیگری وجود ندارد.

امام باقر می فرمایند:

وجدنا فی کتاب علی علیه السلام « إن الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین » انا و اهل بیتی الذین اورثنا الله الارض و نحن المتقون و الارض کلها لنا.

در کتاب علی که بر او درود باد (در ذیل آیه) زمین از آن خداست و به هر کس از بندگانش که بخواهد آن را به میراث میدهد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است چنین یافتیم که:

من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که خداوند زمین را به ما ارث می دهد و مائیم پرهیزگاران و زمین تماما از آن ماست.

در حدیث دیگری از امام باقر (ع) که پیش از این فرازی از آن را نقل کردیم باز استشهاد به آیه شریفه «والعاقبه للمتقین» وجود دارد:

دولتنا آخر الدول و لم بیتی اهل بیت و لهم دوله الا ملکوا قبلنا ... و هو قوال الله عز و جل و العاقبه للمتقین.

دولت ما آخر دولت است و هیچ خاندان صاحب دولتی نیست مگر اینکه پیش از ما به حکومت می رسد و پس از آن ما به حکومت می رسیم! ... و این همان سخن خداوند است که می فرماید سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.

پیش از این گفتیم که فراز نخست حدیث اشاره دارد که هر صاحب ایده و نظریه ای قبل از دولت اهل بیت (ع) به حکومت می رسد و سپس ایده امامت به حکومت

می رسد حال اگر این را اضافه کنیم که مراد از عافیت مفهوم زمانی است نتیجه می گیریم که دولت اهل بیت (ع) و یا به بیان دیگر دولت امام مهدی (ع) هم از نظر اندیشه ای و هم از نظر زمانی آخرین دولت است.

حال باید به این پرسش پرداخت که چرا این دولت آخرین دولت است؟

۳- چرا پس آخرین دولت

در برخی از روایاتی که در آنها مساله آخرین دولت بودن حکومت امام مهدی (ع) مطرح شده علت آن نیز تبیین شده است مثلا امام باقر (ع) پس از آن که می فرماید دولت ما آخرین دولت است و پیش از آن همه صاحبان قدرت و اندیشه به حکومت می رسد در بیان علت آن می فرماید:

... لا یقولوا بقولوا اذا راوا سیرتنا : اذا ملکنا سرنا مثل سیره هولاء!

تا وقتی شیوه حکومت ما را دیدند بگویند اگر ما هم به حکومت می رسیدیم به شیوه اینان رفتار می کردیم.

همچنین امام صادق (ع) پس از آن که می فرماید پس از برقراری دولت ما همه گروه ها به حکومت می رسد علت این تقدم و تاخر را چنین بیان می دارند:

حتی لا یقول قاتل : « انا لو ولینا لعدلنا » ثم یقوم قائم بالحق و العدل.

تا کسی نگوید اگر ما هم به حکومت می رسیدیم به عدالت رفتار می کردیم پس از آن بر پا کننده حق و عدل قیام می کند .

از مجموع این دو حدیث چنین بر می آید که علت تاخر دولت امامت اتمام حجت تاریخی و عملی است باید بدینسان دریابد که راه عدالت جز از طریق اهل بیت نمی گذرد و برقراری عدالت جز به دست مردان عدالت و امامان معصوم ممکن نیست.

حقیقت در گرو توجه به این سه نکته است:

نخست عدالت مهمترین نیاز بشریت است و امور دیگری فرعی و غیر اصولی است سامان جامعه بشری به برقراری عدل و داد است و بدون آن، نظام زندگی اجتماعی از هم گسسته می باشد.

دوم: اجرای عدالت نیاز به مردان عادل دارد هر دستی توان عدالت گستری ندارد. عدالت گستری نیاز به مردانی دارد که معصوم و از هر گونه هوس به دور باشند مردان آلوده ی هوس به هوس رفتار می کنند نه به عدالت. آن که به هوس رفتار می کند و پیرو هوای نفس خویش است توان اجرای عدالت را ندارد به همین جهت در اندیشه شیعی یکی از شرایط امامت عصمت است.

سوم: عدالت گستری نیاز به عدالت پذیری دارد بدون عدالت پذیری اجرای عدالت ممکن نیست اگر امام عدالت گستر وجود داشته باشد ولی امت عدالت پذیر وجود نداشته باشد عملیات عدالت گستری با شکست مواجه می شود.

با توجه به این سه امر یک بار مساله را مرور می کنیم چون عدالت مهمترین نیاز بشریت است خداوند هیچگاه زمین را بدون امام عدالت گستر نگذاشته است ولی از آنجا که حاکمیت عدالت گذشته از وجود امام عدالت گستر به عدالت پذیری ملت نیز نیاز دارد سؤال این است که اگر پذیرش عدالت و تحمل عدالت وجود نداشته باشد چه باید کرد؟ اولین اقدام احتجاج قولی است در این مرحله باید به روشنگری پرداخت و موفقیت پیش آمده را توضیح داد و عافیت راه برگزیده شده را روشن ساخت تا حجت وجود داشته باشد اگر این اقدام نتیجه ای نبخشد و مردم عدالت پذیر نشوند نوبت به گام دوم می رسد که «حجت عملی است» در این گام باید مردم آنچه را به آنها گفته شده است ولی نپذیرفته اند در عمل مشاهده کنند بن بست ها را ببینند و به تجربه دریابند که هیچ راهی برای تحقق عدالت جز راه امامت وجود ندارد به بیان دیگر اگر بشر راه خود را از راه امامت جدا ساخت و به هشدارها و اندرزهای امامان گوش نداد به خود واگذار می شود تا آنچه را درست می پندارد عمل کند و بپذیرد و در این راه دریابد که هیچکدام کلید عدالت نیست اگر بشر به تجربه دریابد که هیچ راهی به عدالت ختم نمی شود و هیچ حاکمی توان اجرای عدالت را ندارد مدعیانی پیدا خواهند شد که بگویند راه و روش و هدف ما هم همین است و بدین سبب مردم را گمراه سازند، اما اگر هر کس و هر صاحب عقیده ای و هر گروهی آنچه را دارد بیان کند و به

اجرا در آورد و عملاً ثابت شود که توان اجرای عدالت را ندارد آنگاه وقتی دولت امامت شکل می گیرد هیچکس نمی گوید اگر ما هم می بودیم چنین می کردیم و چنین ادعایی از هیچ کس پذیرفته نمی شود و خریداری هم نخواهد داشت.

برای عینی شدن بحث می توان نگاهی به انواع حکومت های بشری و انواع ایده های بشری انداخت زمانی دوره حکومت های سلطنتی مطلقه بود سپس حکومت های سلطنتی مشروطه مطرح شده بعد از آن جمهوریت و دمکراسی مطرح شد این مسئله در حکومت های دینی نیز تجربه شده اند مثل حاکمیت مسیحیت و کلیسا در قرون وسطی و (افراطیون مسیحی ، صهیونیستها) در اسرائیل، همچنین انواع ایده ها و نظریه های بشری ارائه شده اند مثل لیبرالیسم و کمونیسم البته بررسی دقیق این بحث با زاویه نگاه مطرح شده خود تحقیق مستقلی را می طلبد ولی آن چه مهم است این که هیچ کدام از نظام ها و ایده های بشری توان اداره عادلانه جوامع بشری و پاسخ قانع کننده به پرسش های بشر را ندارند.

این واقعیت تلخ پیش از این در کلمات معصومین اعلام شده بود اما بشر به این هشدارها و اندرزها اهمیتی نداد و با خیره سری راه پر مخاطره آزمون و خطا را انتخاب کرد و هزینه های سنگین بسیاری را پرداخت و هنوز هم می پردازد و خواهد پرداخت همه ایده ها حاکمیت یافتند و در عمل به بشر ثابت شد که هیچ کدام توان اجرای عدالت را ندارند. در نهایت پس از شکست همه ایده های ممکن

بشر با سرخوردگی و سرافکنندگی در خواهد یافت که سعادت دنیا و آخرت او در اندیشه های آسمانی و نظام الهی است این مفهوم همان سخن امام باقر و امام صادق (ع) است که فرمودند باید در عمل ثابت شود که هیچکس توان اجرای عدالت را ندارد تا پس از آن عدالت گستر واقعی ظهور کند و زمین را پر از عدل و داد نماید پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده است.

و البته این تاسف و درد جانکاه بر سینه بشر خواهد ماند که می شد این آزمون و خطا انجام نشود و و بسیار زودتر از این بشر به عدالت دست یابد چه می شود که «خود کرده را تدبیر نیست»

شایان ذکر است که این سخن هرگز به معنای کنار گذاشتن هرگونه تلاش و کوشش برای برقراری عدالت در عصر غیبت نیست که این خود اندیشه ای انحرافی و در تعارض با خواسته ائمه اهل بیت (ع) است بلکه به این معناست که هیچ دولتی اگر چه دولتی دینی نمی تواند و نباید ادعا کند که توان برقراری عدالت کامل را به طور مستقل و منهای حاکمیت امام عصر(ع) دارد. بنابراین چنانکه از سیره قولی و عملی امام راحل (ره) نیز بر می آید مسلمانان باید در عصر غیبت هم خود عدالت گستری پیشه کنند و هم امیدوار به تحقق کامل عدالت به دست توانای امام مهدی (عج) باشند.

نقش سازنده انتظار

انتظار منجی موعود از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی، تحرک و آماده باش همیشگی شیعیان است. بر اساس تعالیم ائمه معصومین، علیهم السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا حاضر شود.

به عبارت دیگر انتظار ظهور حضرت حجت، علیه السلام، در آینده ای نامشخص هم بیم دهنده و هم نویدبخش است. بیم دهنده است، چرا که منتظر با خود می گوید: شاید همین سال، همین ماه و با همین روز ظهور رخ دهد و لذا باید آماده حضور در پیشگاه حجت خدا و ارائه اعمال خود به آن حضرت باشم و امیدبخش است، چرا که منتظر با خود می اندیشد، شاید در آینده ای نزدیک ظهور واقع شود و سختی ها و مشکلات او به پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومتی ورزید و تسلیم جریان هایی که در پی غارت همه سرمایه های ایمانی و اعتقادی اند نشد.

آن چه درباره نقش سازنده انتظار گفته شد تنها زمانی مفهوم خود را بدرستی باز می یابد که بدانیم در مذهب شیعه منجی موعود و تنها به عنوان اسبان برتری که در آخرالزمان زمین را از عدالت پر می سازد و انسان های دربند را رهایی می بخشد مطرح نیست، بلکه در این مذهب او به عنوان تداوم بخش رسالت انبیاء

وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا» بر روی زمین نیز مطرح است. حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است و بنابراین نقش او در زندگی فردی و اجتماعی انسان را تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی‌شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.

به اعتقاد شیعه حجت خداوند بر روی زمین از طرفی دلیل و راهنمای آشکار مردم به سوی صراط مستقیم و از طرف دیگر ملاک و معیاری است که انسان‌ها می‌توانند با رجوع به او میزان انطباق خود را با دین خدا بسنجند.

با توجه به این مفهوم آنکه در انتظار ظهور حجت است خود را مکلف می‌کند که تا همه مناسبات فردی و جمعی‌اش انعکاس انتظارش باشد، زیرا در غیر این صورت انتظار مفهوم خود را از دست می‌دهد و به لقلقه زبان تبدیل می‌شود، منتظر نمی‌داند حجت خدا کدامین روز می‌آید اما می‌داند بایستی چنان زندگی کند که هر زمانی ایشان ظهور کرد اعمال و شیوه زندگیش را بپذیرد.

به بیان دیگر تنها کسانی در زمان «ظهور» سربلندند که در زمان «غیبت» در جهت تأمین رضایت مولایشان تلاش کرده باشند.

این معنا را به صراحت می‌توان از قرآن و روایات استفاده کرد. در یکی از آیات قرآن کریم آمده است:

روزی که برخی نشانه های خدا آشکار شود، ایمان کسی که بیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو چشم به راه باشید، ما نیز چشم به راهیم.

در ذیل آیه یاد شده، روایات متعددی به طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که در آن ها «روزی که برخی نشانه ها یخدا آشکار شود.» به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، تفسیر شده است.

از جمله در روایاتی که از امام صادق علیه السلام، در تفسیر آیه مزبور وارد شده، چنین آمده است:

مراد از نشانه ها امامان هستند و آن نشانه ای که انتظار کشیده می شود، قائم، علیه السلام است در آن زمان ایمان و از علت تنبیه خود آگاه شود اما در هر حال از حد اعتدال نباید خارج شد. زیرا افراط در آن آتش لجاجت را شعله ور می کند تنبیه نیز همچون امر به معروف و نهی از منکر مراحل نرم و آسان به مراتب سخت و خشن انتقال می یابد و در هر حال راه جبران خطا را نباید بست «هیبره» از فرمانداران امام، اسیران. بنی ناحیه را از قیس فرمانده لشکر امام علیه السلام خرید و آزاد ساخت اما هنگامی که حضرت از او مطالبه غرامت کرد به شام گریخت امیرمومنان در این باره فرمود:

اگر مردانه می ایستاد همان مقدار که داشت از او می پذیرفتم و تا هنگام قدرت و توانایی به او مهلت می دادم، اشعث بن قیس را سخت تهدید و سرزنش کرد اما برای آنکه به وی اطمینان دهد خشم امیرالمومنین وی را از جاده انصاف دور نخواهد کرد در پایان نامه فرمود:

امید است رئیس بدی برای تو نباشم.

مولای متقیان در مقابل جنایتکار هرگز سستی نمی کرد، هر چند از سابقه خوب و خدمات ارزنده قبلی برخوردار بود. به ابن عباس با آن همه سابقه درخشان فرمود:

اگر حسن و حسین هم کار تو را کرده بودند هیچ پشتیبانی و هواخواهی از ناحیه من نمی دیدند و در اراده من اثر نمی گذارند تا آنگاه که حق را از آنها بستانم. گاهی به کارگزاران خائن می نوشت:

تو را چنان خوار و فقیر می کنم که خرج زن و بچه ات را نداشته باشی.

در سخنرانیهای عمومی گاهی سربازان و فرماندهان خود را به دلیل سستی و کوتاهی در جنگ سرزنش می کرد و برای آنکه آنان را به عبرت و حرکت وادارد یک سرباز معاویه را در اطاعت از فرماندهی از ده سرباز خود برتر می شمرد.

امام علی علیه السلام روزی صدائی شنید که کمک می طلبید، قضیه از این قرار بود که فردی پیراهنی خریده و به فروشنده پول قلبی داده و در مقابل اعتراض

او وی را سیلی زده بود و اکنون داشتند مشاجره می کردند. بعد از معلوم شدن صحت مطلب، حضرت به فروشنده گفت: سیلی را قصاص کن. گفت: بخشیدم: فرمود: خود دانی ولی خود چند سیلی به صورت ضارب نواخت و فرمود: این هم حق حاکم، آری این است آن عدالتی که مردی چون علی، علیه السلام، جان شریفش را بر سر آن نهاد وگرنه صرف عدالت اخلاقی و شخصی اگر امکان داشته باشد! آنگونه نیست که کسی را لایق شهادت برای عدالت کند. این پیراهنی است که به غیر او برازنده نیست.

نتیجه گیری کلی

برای ما ایرانیان خواندن و دانستن چنین تاریخ از لحاظ دینی و نحوه سیاسی و علمی و ادبی و مذهبی و غیر آن بدیهی است که نهایت لزوم و ضرورت را خواهد داشت و برای هر ایرانی خواندن اینچنین تاریخ و دانستن آن لازم است.

آشنا نمودن بسیاری از پیغمبران را به این نکات لطیف امید است که برای این بنده در پیشگاه قرب آن بزرگوار خدمتی پسندیده بشمار آید و از آستانه بندگان نواز حضرتش به بهره مندی کامل سرافزار و مفتخر آیم.

امام زمان علیه السلام مظهر غیرت خدای هستند آن حضرت پناه بی پناهان و حاضر و ناظر در میان ما و مانند یکی از ما زندگی می کنند.

دین اسلام دین رسمی جهان شده بانگ توحید از همه جا بلند می گردد . در امور راه سازی برنامه های جالبی را به مرحله اجرا می گذراند . خود حضرت مهدی (عج) هم از دور، تمام حوادث و جریانات کشورهای زمین را زیر نظر دارد و تمام نقاط زمین ،برایش مانند کف دستی می گردد. اصحاب و یارانش نیز از فاصله های دور، وی را مشاهده می نمایند و با او تکلم می کنند.

هنگام قیام حضرت قائم (ع) خداوند ، اسلام را بر همه ادیان پیروز می کند.»

سخن آخر اینکه برای تشکیل حکومت واحد جهانی و چیره شدن بر تمام رژیمهای فاسد، ابزاری لازم است که عبارتند از : متکی بودن به یک قدرت

نامحدود، احاطهٔ علمی، بر کل هستی، قوانین جامعه و کامل، و مصونیت از لغزش

و اشتباه، که جملگی درباره حضرت مهدی (عج) صادق می باشد.

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن

محدودیت ها

۱- در دسترس نبودن کتابهای جدید

۲- دسترسی آسان به افراد صاحب نظر که بتواند در مقاله پژوهشی به ما یاری رسانند.

۳- محدود بودن زمان کامل نمودن مقاله

۴- در دسترس نبودن جا و یا مکانی ثابت برای بحث و گفتگو در مورد تحقیق و پژوهش مورد نظر

۵- محدود بودن امکانات کامپیوتری برای تایپ این مقاله

۶- عدم دسترسی منابع جدید درباره این معصوم بزرگوار

پیشنهادها

- ۱- در اختیار گذاشتن کتاب ها و جزوه هایی با انتشارات جدید.
- ۲- ایجاد مکانی برای بحث و گفتگویی با صاحب نظران.
- ۳- در اختیار گذاشتن زمان بیشتر برای جمع آوری و تنظیم مطالب.
- ۴- بوجود آوردن مکانی که دارای امکانات کامپیوتری باشد جهت استفاده پژوهشگران.
- ۵- دسترسی آسان به افراد صاحب نظر برای راهنمایی ما در این زمینه.

نیایش

ای مهدی ای حماسه جاوید؛

چشمهای همه پاکان به راهت فروهیخته تا تو از راه رسی

ای مهدی ای زورق نجات؛

جهان پر تلاطم است ، کشتیها همه در هم شکسته اند، جز سکان قلب شیفتگان

که چشم به سوی تو دوخته اند تا تو بیایی.

دلها همه به تیرگی گراییده، یتیمان همه تنهائند، تا که دست پرعطوفت تو بر سرها

قرار گیرد.

ای مهدی ای ساحل آرامش؛

دلهای باورمندان در تب و تاب است تا تو به پا خیزی.

وای مهدی ای صبح پیروزی؛

شب به دراز کشید و مردمان همه خفتند جز چشم پر التهاب یاران که قیام پر

شکوه تو را نظاره می کنند.

تو بیا تا شکوفه های امید دوباره بشکفند.

تو بیا تا کاسه های خون آلاله ها دوباره بخرند.

تو بیا تا بلبلان خوش الحان نغمه جان فزای روز پیروزی را سردهند.

و تو بیا تا که سبزه زاران طراوت نوبگیرند.

ای مهدی ای چشمه ساز فضیلت وای بلندای نیکی و ای صلاهی آزادی ز پرده
برون آی که جهان پر زغم شده.

ای مهدی ای دست توانای یزدان، ذوالفقار بر دست گیر که ستمگران مغرور شده
اند.

ای مهدی ای خزانه دانش ایزدی، پرچم دانش را بر افزار که جهل و نادانی
جهانگیر شده است

ای مهدی ای چشم بیدار خدای منان کشتی انسانها به گل نشسته، تند باد توفنده
روز قیامت را به نجات بشریت بفرست .

ای مهدی، ای وارث علی (ع)، کاسه گدایی مردمان تهی مانده، دگر بار نگین
پادشاهی به مستمندان عطا کن.

ای مهدی ای وارث یوسف صدیق، نومیدی همه دلها را پر کرده روح امید در کالبد
مرده جهان بدم.

ای مهدی ای مسیحا دم، بیماری و درماندگی همه جا گیر شده، شفا و بهبودی بر
بیماران ارزانی کن.

ای مهدی ای وارث علوم رضوی، دانش حقیقی از قلبها رخت بر بسته، تو تشنه
کامان ناکام را سیراب کن.

وای مهدی ای بنده کرنشگر خدا، روح بندگی در جهان مرده، روح ایمان را دوباره
در دلها زنده کن.

ای خورشید تابناک، تا به کی پرده نشینی، ای ماه درخشنده شبهای تار، تا به کی
پس تک ابرها پنهانی.

ای بهار دوران تا به کی خوار و خس ها مجلس آرای سبزه زاران اند.

و ای شمشیر آخته یزدان تا به کی نابکاران مطلق العنان اند.

آه ای قلم! چه می گویی؟! عنان سخن را بر گیر که او خود نیز چشم راه است.

ندای یار خواهی اش قرنهایست که به گوش می رسد، اما جز اندک نیکان دیگران
اجابتش نکرده اند، صدای پر طنین دعایش بر فرج و گشایش صدها سال است که
از گوشه و کنار بلند است، اما آمین گویان راست کردار کمیاب .

این نوای اوست که «کنار خانه توحید، در لباسی ناشناس رب البیت را می خواند
و درخواست کند که: اللَّهُمَّ أَتَجِرْ لِي مَا وَعَدْتَنِي»

خدایا آنچه را که به من وعده نمودی برسان

بیاییم با پیمان ولایت بر آستان ولایت مدارش، دست بیعت را بسویش دراز کنیم
و با مدد خواهی از حضرت حق ، زنگارهای پلیدی را از جان خویش بزدااییم و
قلب و جان را به نیوشیدن کلمات گهر بار او و پدران پاکش صفا بخشیم و هر

صبح و شام فرج حضرتش را از خدای متعال مسئلت کنیم و همیشه این دعا را از صمیم جان زمزمه کنیم که:

اللهم عجل لولیک الفرج

بار الها در فرج و گشایش برای ولّیت شتاب کن .

«نامه ای به خورشید عالم»

آن گاه می رفتی ، گفته بودی که روز جمعه خواهی آمد.

جمعه بوی تو را می دهد جمعه امید را پررنگ تر می کند. غروب جمعه که فرا می رسد پشت همه درخت ها می شکنند وقتی که می رفتی رمضان و محرم را با انگشتانت نشان دادی و رفتی .

وقتی که رفتی مدینه در خود فرو رفت. محمد صلی الله علیه و آله غریبانه در میان شهر و زنجیره های از حارسان ماند. بقیع غمگینانه تر از هر زمان در آرزوی گام های نوازشگرت نشست .

گل دسته های ما در خیال سر دادن نام زیبایت در میانه طوفان بلاء ماند مکه جایی است که گفته اند بانگ زیبا و دلنشین انا المهدی را از آن جا سر خواهی داد . چقدر کعبه را دوست دارم، کعبه را که پشت تو را محکم می دارد.

خدایا تا به کی باید سال های غیبت بیایند و بروند و ما در این سرگشتگی بمانیم خدایا ما زندانیان بزرگ غیبت می دانیم که این زندگی حقیقی ما نیست. هنگامی که

دلم می گیرد در متن تیره و تار اتاقم فرو می روم . هنگامی که جلد دفترم که
برایت می نگارم از اشک چشمانم تر می شود... .

ای کاش از افق می دیدم قامت همچو سرو مهدی را ای کاش از خلق می شنیدم
صوت دلنشین مهدی را ای کاش می دیدم آن زمانی را که جهان پر از نور و عدل
او می شد. ای کاش که لبهایم می بوسید خاک پای یوسف زهرا را، ای کاش من
هم می بوئیدم گل سر سبد طه را .

همیشه منتظرت هستم بدون اینکه دست از نیایش و التماس و ذکر بردارم همیشه
انتظار فرجت مرا به صبحی دیگر و جمعه ای دیگر می رساند می دانم که می آیی،
دیر یا زود، ولی خدا کند که همین جمعه ،صبح طلوع باشد، صبح فرج.

«الهی آمین»

ای نام با صفای تو ورد زبان بیا

ای یادگار خاتم پیغمبران بیا

ای منجی یگانه عصر و زمان بیا

جان ها به لب رسیده ز هجران روی تو

پژمرده از فراغ تو پیرو جوان بیا

دنیا به زیر چکمه فرعونیان دهر

بهر نجات مردم کل جهان بیا
ظلم و فساد و جنگ و شر شعله می کشد
از بهر برقراری امن و امان بیا
از دل برون نمی روی ای عزیز
جانم فدای نام تو صاحب زمان بیا
من روز را به یاد تو، شب را سحر کنم
ای نام با صفای تو ورد زبان بیا
صدهزار تشنه و عاشق چو یگانه
همواره بیقرار تو ای مهربان بیا

منابع و مأخذ

- برنجیان، جلال. آینده جهان. تهران؛ مهارت. ۱۳۷۶
- حجتی ابردهی، عباس. خورشید کعبه. قم: صدرا. ۱۳۷۴
- حقانی، حسین. سیمای اسلام. قم: هجرت. ۱۳۷۳
- دلشاد تهرانی، مصطفی. دولت مهدی و سیرت مهدی (عج). تهران: ذکر. ۱۳۸۱
- رجالی تهرانی، علیرضا. امام زمان (عج). تهران: انتشارات نبوغ. ۱۳۷۷
- صفاه خواه، محمد حسین. امام مهدی و منتظران، تهران: انتشارات کتابچی. ۱۳۶۷
- صبحی، صالح، متن کامل نهج البلاغه. تهران: انتشارات شهریور. ۱۳۷۸
- صدر، سید محمد باقر. حماسه ای از نور. قم: انتشارات الامام المهدی. ۱۳۷۸
- غیاثی کرمانی: محمدرضا. حکومت مهدی و آخرالزمان. تهران: انتشارات نورگستر. ۱۳۸۰
- مکارم شیرازی: ناصر. حکومت جهانی مهدی (عج). انتشارات نسل جوان. ۱۳۸۰
- نعمانی، محمد ابراهیم: شیخ جلیل. غیبت. قم: انتشارات درالکتب. ۱۳۵۲